

ازدواج، خویشاوندان سببی، و جرم: مورد برادر زن بزهکار

وقتی ازدواج می‌کنید، خویشاوندان سببی، و اگر در بین این خویشاوندان فرد بزهکاری باشد، بزهکاری آن‌ها می‌تواند بر روی تاثیرات مثبت و مشروط افراد ازدواج کرده اثر بگذارد. در این مقاله، به تأثیر برادر زن مجرم به عنوان شاخص کلی این پدیده وسیع تر فرآیندهای شکل‌گیری خانواده و آسیبی که به اثر مثبت ازدواج بر روی بازدارندگی جرم دارد پرداخته‌ام. از داده‌های ثبت احوال از تمام مردانی که از تاریخ 1965 تا 1975 در دانمارک به دنیا آمده‌اند (N=69066) استفاده کرده‌ام تا نشان دهم که هنگامی که یک مرد ازدواج می‌کند، خانواده جدید او در واقع برادر زن بزهکار را متهم به این می‌کنند که مانع دوری او از جرم می‌شود. نتایجی که از ویژگی‌های شوهران، زنان، فرآیند شکل‌گیری خانواده مشترکشان، و جنایتکاری خانواده مرد گرفته شده است، پیشنهاد می‌دهد: (1) فعالیت خانوادگی برای حفظ جنایتکاری با شبکه‌های فامیلی و (2) تاثیرات گرفته شده ی یک نفر از شبکه اجتماعی گسترده تر از طریق ازدواج، در اثرات بازدارندگی ازدواج مهم است. تحلیل‌های محکومیت‌های قبلی، شریک جرم بین یک مرد و برادر زنش، همچنین تحلیل‌های خویشاوندان سببی که نزدیک هم ساکن هستند دو یافته اصلی این مقاله را اثبات می‌کنند. در تمام این‌ها، یافته‌های گزارش شده در این مقاله به دانسته‌های ما از فرآیندهای خانوادگی که خانواده‌ها به وسیله آن بهم گره خورده‌اند و چگونگی تاثیر این فرآیندهای شکی‌گیری خانواده بر روی رفتار مرد، اضافه شده‌اند.

کلمات کلیدی: ازدواج، خویشاوندان سببی، بازدارندگی، داده‌های ثبت احوال

از تمام راه‌هایی که می‌تواند منجر به بازدارندگی جنایی شود، بر روی ازدواج به عنوان یکی از مهم‌ترین آن‌ها تاکید شده است. دانشمندان جرم‌شناسی بر روی این بحث دارند که آیا این همبستگی مهم بین ازدواج و بازدارندگی از جرم در واقع تصادفی است یا نه، آیا با مسائل انتخابی سر در گم شده است؟ (مخالف است)، یا آیا بازدارندگی به دلیل انتقالات شناختی که مرد را برای ازدواج و زندگی با بزهکاری کمتر آماده می‌کند، در ابتدا قبل از ازدواج اتفاق می‌افتد. محققانی که از مطالعات تجربی استفاده می‌کنند، به طور ثابتی نرخ جرم کمتری در میان مردان متاهل پیدا کرده‌اند. در واقع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج یک راه ویژه مهم برای

بازدارندگی از جرم است زمانی که ارتباط بین زن و شوهر قوی باشد و زن رفتارهای بزهکارانه نداشته باشد. تاکنون، عوامل بیرونی از فعالیت‌های داخلی ازدواج ممکن است بر روی رفتار تاثیر بگذارد. با توجه به دیدگاه الدر از " زندگی‌های بهم پیوسته"، می‌دانیم که کنترل اجتماعی و اتصالات اجتماعی رفتار فردی را نه تنها از طریق روابط دوتایی مثل ازدواج، بلکه از طریق شبکه‌های روابط اجتماعی تحت فشار قرار می‌دهند. حمایت‌ها و قوانین اجتماعی (در بخشی) از طریق این شبکه‌ها اتفاق می‌افتد. بنابراین زندگی همسران در این روابط اجتماعی تعبیه شده است که این فراتر از زن و شوهر متاهل است، برای مثال، دوستان و خویشاوندان می‌توانند همچنین بر روی رفتار مرد(همسر) تاثیر بگذارند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که رابطه با خویشاوندان سببی برای روابط مادی بین همسران مهم است، زیرا معمولاً با دوسوگرایی مشخص می‌شود. موفقیت روابط زوج‌های ازدواج کرده ممکن است به روابط آن‌ها با خویشاوندان سببی بستگی داشته باشد. و همانطور که همه ما متاهلین می‌دانیم، وقتی ازدواجی در یک خویشاوند رخ می‌دهد، و اگر این خویشاوند سببی شامل افراد بزهکار باشد، بزهکاری آن‌ها ممکن است بر روی اثرات شرطی و مثبت ازدواج تاثیر بگذارد. خویشاوندان سببی، بنابراین یک گروه قابل توجه از مردم را به دلیل ارتباط بین خویشاوندان سببی و همسران ازدواج کرده در آن خانواده، تشکیل می‌دهند. از همسران انتظار می‌رود تا یک ارتباط خانوادگی با خویشاوندان سببی شکل دهند. علاوه بر این، همسران نه تنها باید خانواده خود را تشکیل دهند- با تمام احساسات، الزامات، و روتین‌هایی که با آن همراه است- بلکه همچنین باید پلی بین شکاف خویشاوندان غیر خونی هم باشند که ممکن است باعث ایجاد تنش و خصومت بین همسران شوند زیرا که آن‌ها احساس وفا داری از هم گسسته ای به خویشاوند جدید و احساس وفاداری شدیدی به خویشاوند خود دارند. ازدواج زن و شوهر را متحد می‌کند، در حالیکه علاوه بر این اتحاد، هیچکدام از آن‌ها مایل به جدا شدن از اعضای خانواده نیستند، برای مثال، جدا شدن از یک برادر، چه تاثیرات مثبتی داشته باشد و چه منفی. تاثیرات گرفته شده از برادران ناگزیر هستند و می‌توانند بر روی پویایی داخلی ازدواج تاثیر بگذارند، که به نوبه خود می‌تواند مانع یا تقویت کننده اثر بازدارندگی ازدواج شوند.

در این مقاله، من بر روی اثر داشتن یک برادر زن بزهکار به عنوان یک شاخص کلی در چگونگی تاثیر عوامل خانوادگی خارجی در پویایی ازدواج تمرکز کرده ام و این که چگونه بر روی اثر بازدارندگی ازدواج تاثیر می‌گذارد.

من بر روی برادر زنها به عنوان مثالی از خانواده غیر خونی که با ازدواج به فرد گره می‌خورند تمرکز داشته ام که نقش مهمی در رفتار مجرمانه مرد دارند. من بر روی داده‌های ثبت احوال دانمارک تکیه کرده ام تا نمونه ای بدست آورم که تنوع گسترده ای از اطلاعات را بر روی خروجی احکام مجرمانه و بر روی روابط فامیلی دارا باشد که برای تحلیل چگونگی همبستگی بازدارندگی مجرمانه فرد با آن خویشاوندان سببی مورد نیاز است. این داده‌ها، که دارای مقادیر دقیق از روابط فامیلی، ازدواج، و احکام مجرمانه است، نه تنها خروجی‌های احکام مجرمانه از تمام مردان متولد 1965 تا 2975 در دانمارک است، بلکه همچنین داده‌ها مرا مجاز به جفت کردن همسران و ارتباط دادن اطلاعات خواهر/برادر همسر و دیگر افراد خانواده (از جمله خروجی‌های محکومیت‌های مجرمانه آن‌ها)، کرده است، اطلاعاتی که ممکن است با دیگر منابع داده موجود، در دسترس نباشند.

نرخ جرم مردان به طور چشمگیری متفاوت است، همانطور که در این مقاله نشان داده ام، بیش از تمام دوره زندگی آن‌ها، به نوع ازدواجی که کرده اند بستگی دارد. در اینجا، نوع ازدواج با بزهکاری خویشاوندان سببی تعریف می‌شود. این نشان دهنده مکانیزم‌های قوی است که انواع اساسی مردها را با انواع اساسی خانواده‌ها جفت می‌کند، و به دلیل این که فعالیت‌های خانوادگی اساساً داخلی هستند، جنایتکاری تمایل به تمرکز در شبکه‌های خانوادگی دارد. در عین حال، بعد از کنترل برای مشاهده تفاوت‌ها در مردان، همسرانشان، فرایندهای شکل‌گیری خانواده مشترک شان و جنایتکاری خانواده شان، نشان داده ام که اگرچه جنایتکاری شوهران و زنان قبل از ازدواج بیشتر برای خطرات جرایم قبل از ازدواج اهمیت دارد، بازدارندگی مجرمانه یک مرد با توجه به این که آیا او یک برادر زن قبلاً مجرم داشته است (یا برادر زن غیر مجرم) متفاوت است. این نشان می‌دهد که برای مرد نمونه من، ازدواج، که به عنوان یک راه برای بازدارندگی جرم در نظر گرفته شده است، از عوامل فامیلی خارجی به داخلی فعالیت‌های ازدواج تاثیر می‌گیرد. نتایج با مجرمین قبلی، همجنسگرایان، و خویشاوندان که در مجاورت نزدیک هم ساکن هستند، این یافته‌های جدید را اثبات می‌کنند.

جرم‌شناسان تمایل به دیدن این دارند که ازدواج را به عنوان یک اتحاد شکل گرفته بین دو همسر ببینند، و اثر بازدارندگی آن مقدماتاً، اگرچه انحصاری نیست، اما با این محتوا تئوریزه شده است. تاکنون، هنگامی که تاریخچه مجرمانه یک برادر زن با بازدارندگی یک مرد در ارتباط است، همانطور که این مقاله هم نشان می‌دهد که هست، به اهمیت دانستن این که چگونه ازدواج در یک زمان دو خانواده را متحد می‌کند، اشاره دارد. نتایج گرفته شده از

این مقاله پیشنهاد می‌دهد که ویژگی اعضای خانواده جدید، که خویشاوندان سببی هستند، برای چگونگی تاثیر گذاری مثبت معروف یک ازدواج مهم است و شوهر را به سمت بازدارندگی جرم هدایت می‌کند.

ازدواج، خویشاوندان سببی، و جرم

گزارش‌های ارتباط بین ازدواج و بازدارندگی از جرم تمایل به تئوریزه کردن این ارتباط به عنوان محصول روابط پویا بین دو همسر دارد: یک واحد اجتماعی ساخته شده از دو فرد که بر روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند. به طور خلاصه، جنایتکاری کمتر با ازدواج مرد می‌تواند بر مردی دلالت کند که کمتر احتمال شریک جرم دارد و بیشتر به ازدواج متمایل است: یک مکانیزم انتخاب خالص. با این حال، جنایتکاری کمتر در مرد متاهل می‌تواند بر دو چیز دلالت کند: 1) ازدواج یک سیستم الزام متقابل و وابستگی متقابل بین همسران ایجاد می‌کند (تئوری کنترل اجتماعی غیر عادی سن درجه بندی شده)؛ 2) ازدواج از طریق تغییر در فعالیت‌های روزمره همسران، خصوصا مقدار زمانی که با دوستان شان سپری می‌کنند، بر روی بازدارندگی تاثیر می‌گذارد (تئوری اجتماع دوستان)؛ یا 3) ازدواج منجر به تغییرات رفتاری می‌شود زیرا مردی که ازدواج می‌کند در پذیرای تغییرات شناختی قبل از خود ازدواج است (تئوری انتقالات شناختی). بازی (باز بودن) شناختی به این معنی است که مردان از تغییر پذیری در شناخت و رفتار تحسین کرده و آن را می‌پذیرند که از جایگزینی زندگی مجردی با زندگی متاهلی نشأت می‌گیرد. علاوه بر این، بازی شناختی در ابتدا با احساسات خصوصا از عشق به فرد دیگری برانگیخته می‌شود. به عنوان یادآوری، ازدواج افرادی بیش از دو همسر را به هم وصل می‌کند، کسانی که زوج دوتایی را می‌سازند. با توجه به الدر، روابط اجتماعی به هم متصل هستند، به این معنی که شبکه‌هایی که هر همسر به آن متصل است بر روی نوع قیود رفتاری که هر فرد ازدواج کرده احتمال دارد بر روی دیگری اعمال کند، تاثیر گذار است. بر اساس این تئوری، یک دوره زندگی ساختاری چند سطحی دارد، به این معنی که دوره زندگی یک فرد یک محصول پویا از موارد زیر است: 1) روش او در میان موسسه‌های اجتماعی، 2) سازمان‌هایی که او با آن در ارتباط است یا بوده است، 3) خط سیری که او تجربه کرده است، و 4) پیشرفت فردی او. رخدادهایی که افراد را به هم متصل می‌کند، مثل ازدواج، باید بنابراین به عنوان یک رویداد دوره زندگی مشترک درک شود که خط سیرهای فردی را با هم در می‌آمیزد که مجموعه ای از یک اختلاط پویا از دو بسته فردی و بیوگرافی اجتماعی است.

مفهوم الدر از زندگی‌های گره خورده مخصوصاً برای این مطالعه مهم است. این مورد به حقیقتی اشاره می‌کند که زندگی که به طور معمول در روابط اجتماعی، مثل دوستان و خویشاوندان احاطه شده است. تاثیرات برگرفته از این زندگی‌ها (مثل اجتماعی شدن) به آنچه که انسان به آن گره خورده است برای رفتار فردی مهم است. ازدواج، سپس، بر روی رفتار فردی تاثیر می‌گذارد، زیرا به طور مستقیم و غیر مستقیم همسران را با یک شبکه اجتماعی گسترده تر گره می‌زند. ازدواج به طور مستقیم این شبکه‌های اجتماعی وسیع تر را با اتصال دوستان و خانواده ی شوهر و زن به هم گره می‌زند. علاوه بر این، ازدواج به طور غیر مستقیم شبکه‌های اجتماعی گسترده تر را به هم گره می‌زند زیرا همسرانی را با هم ادغام می‌کند که هر کدام با ویژگی‌های اجتماعی شده ای هستند (برای مثال، ارزش‌هایی که هر همسر به داخل ازدواج می‌آورد که تحت تاثیر دوره زندگی خودش است). بنابراین، به دلیل تاثیرات بین همسران مثل بین همسران و شبکه‌هایی که هر همسر به زندگی مشترک می‌آورد، افراد متاهل احتمال نزدیکی در اختلاط ارزش‌ها و رفتارهای مختلف دارند.

کریگر وهاینیه حمایت‌های تجربی ای برای یک ادعای مشابه ارائه کرده‌اند. یافته‌های مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که وقتی که نوجوانان یک زوج عشقی پیدا می‌کنند، رفتار نوشیدن آن‌ها نه تنها به شریک شان بلکه همچنین به دوستان او نیز نزدیک می‌شود. این نتایج نه با شریک جرم در رفتار نوشیدن بدست آمده است نه با مسائل انتخابی مثل اشاره به وجود فشار شبکه بر روی رفتار فردی. تاکنون، از آنجایی که نتایج کریگر وهاینیه نشان داده است که فرض یک همبستگی بین بازدارندگی یک شوهر از جرم و تاریخچه مجرمانه برادر زن او ثابت شده است، این مورد در مطالعات مشابه کریگر، هاینیه و هوپفر از رفتار سیگار کشیدن نیست، که در نتیجه نشان می‌دهد که برخی انواع رفتارها تحت تاثیر چنین فشارهای شبکه ای نیستند.

برادرزن‌های بزهدار و فرآیند بازدارندگی

سوالی که در اینجا مطرح است این است که آیا اتصال به خویشاوندان بزهدار (به طور خاص به برادر زن بزهدار) برای بازدارندگی از جرم یک مرد مهم است یا نه. اگر شبکه‌های خانوادگی گسترده تر (و خصوصاً خویشاوندی)، که مرد با ازدواج در معرض آن قرار می‌گیرد، برای رفتار مردان مهم است، همانطور که توسط الدر بیان شده

است، این مشاهده می‌تواند برای رفتار مجرمانه درست باشد. با تایید یا رد این که این یک موردی است که استثناعات تجربی مهمی را از تئوری ازدواج و جرم ارائه می‌کند.

در فرمولاسیون اصلی آن‌ها از تئوری درجه بندی سنی کنترل اجتماعی غیر عادی، سامپسون و لایب نیز ازدواج را به عنوان اتحادی می‌دیدند که بین دو همسر شکل می‌گیرد (بجز برخی عبارات کم که برای مثال یک مرد توسط خویشاوندان سببی تحت خشونت و ضرب و شتم خانگی قرار گرفته است). در تجدیدنظر بعدی آن‌ها در تئوری، با این حال، آن‌ها نظر خود را از ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی به در برگرفتن سیستم کل وابستگی‌ها و تاثیرات متقابل که با ازدواج ایجاد می‌شود، تعمیم دادند. برای مثال:

جورج به ما گفت که همسرش برای او نگران است، آن اولین دفعه در زندگی اش بود که شخص دیگری چنین احساسی را راجع به او داشت. علاوه بر این، خویشاوندان سببی اش او را در بر گرفته ان و در خانواده خود پذیرفته‌اند. این پذیرش به شدت با خانواده ی خودش در تضاد بود جایی که او ارتباط کمی با برادران و خواهرانش و پدر و مادرش داشت.

جورج، مردی که قبلاً بزهکار بود، به وضوح مزایای ازدواج را تجربه کرده است. او برای اولین بار عشق را در زندگی اش احساس می‌کند، و با ازدواج، ارتباطات اجتماعی را که قبل از ازدواج تجربه نکرده بود، تجربه کرد. این احتمالاً بر روی رفتارش تاثیر می‌گذارد، همانطور که در تئوری اصلی نشان داده شده است. ازدواج او همچنین به او چیزی بیش از یک همسر هدیه داده است؛ با ازدواج، یک خانواده کامل بدست آورده است یک شبکه از وابستگی‌های متقابل و حمایتی که قبل از ازدواج آن از آن بی بهره بود.

نکته این است که با ازدواج، خویشاوندان سببی بوجود می‌آید. در ازدواج ما وفادارانه اتصالات اجتماعی را با اعضای خانواده ای غیر خونی شکل می‌دهیم که در نبود ازدواج احتمال شکل دهی آن بسیار کم بود. باتبدیل شدن به خانواده مستقیم فردی که دوستش داریم، خویشاوندان سببی برای ما و فعالیت‌های داخلی ازدواج مان، مهم خواهند شد. با توجه بهدیدگاه‌های بسط یافته که در ادبیات خانواده گزارش شده اند، خویشاوندان سببی ممکن است مجموعه ای از توابع حمایتی اجتماعی را ارائه کنند و فرد ممکن است حس اتحاد و متضادی را به دلیل وابستگی‌های خانوادگی، هم زمان درباره آن‌ها داشته باشد. در واقع، نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که

موفقیت روابط یک زوج ازدواج کرده به روابط آن‌ها با خویشاوندان سببی شان بستگی دارد، حتی برای زوج‌هایی که سال‌ها است با هم ازدواج کرده‌اند. این دوباره، به چگونگی اهمیت روابط با خویشاوندان اشاره دارد. وقتی اهمیت خویشاوندان سببی بر شمرده می‌شود، منطقی به نظر می‌رسد که مشخصه‌های خاصی را از این روابط خانوادگی جدید که ممکن است برای بازدارندگی مرد از بزهکاری مهم باشد، فرض نماییم. بنابراین، به عنوان یک مثال کلی از یک پدیده‌ی اجتماعی گسترده، من فرضیه‌ای را مطرح کرده‌ام که فرایند بازدارندگی مرد تازه ازدواج کرده با یک برادر زن بزهکار را در بر می‌گیرد. در عوض مثال جورج، چه اتفاقی می‌افتد اگر یک برادر زن، که مرد را احاطه کرده است، تاثیرات ضد اجتماعی روی فرد بگذارد؟

چگونه برادر زن‌های بزهکار، مزایای مبارزه با جرم ازدواج را بی‌تاثیر می‌کنند (از بین می‌برند)

صف گسترده‌ای از تفاوت‌ها بین مردی که به یک برادر زن مجرم یا غیر مجرم وابسته است احتمالاً وجود دارد. مردم ازدواج و نوع ازدواج را بر اساس مشخصه‌های خودشان و همسرشان انتخاب می‌کنند که به همچنین می‌توان به عنوان شریک جرم نیز شناخته شود. به همان اندازه احتمال دارد، مردم ازدواج را انتخاب کنند زیرا خانواده‌هایی را با سابقه‌ی مجرمانه به هم متصل می‌کند و بنابراین، با خویشاوندان سببی بزهکاری نیز رابطه پیدا می‌کند. این انتخاب، یا شریک جرم، نیاز به حساب ندارد (یک ترجیح فنوتیپیکال، انتخاب یک شریک از مشخصه‌های ترجیحی مثل نگرش‌ها). این را به سادگی می‌توان شرح داد، واقعیت این است که جرم بین خانواده‌های محروم اجتماعی بسیار شایع‌تر است، کسانی که بیشتر احتمال گره خوردن با ازدواج را دارند (همگام اجتماعی). اگر چنین است، مردانی که بیشتر احتمال بزهکاری دارند همچنین بیشتر نیز احتمال ازدواج با خانواده‌هایی را دارند که دارای خویشاوندان سببی بزهکار شوند و ارتباط بین خویشاوندان سببی بزهکار و بزهکاری مرد به راحتی در این مخالفت قابل بیان است.

برادر زن‌ها ممکن است همچنین به طور مستقیم بر روی رفتار مرد تاثیر بگذارند که می‌تواند از طریق مکانیزم‌هایی اتفاق بیفتد. برای مثال، برادر زن‌های قانون‌گذار احتمالاً بزهکاری را رد می‌کنند و می‌توانند بنابراین کنترل‌های اجتماعی غیر رسمی‌ای بر روی شخص ازدواج کرده قرار دهند. آن‌ها همچنین بیشتر در حال خدمت به هم نوعان هستند (به اندازه‌ای که یک مرد زمانش را با برادر زن‌هایش بگذراند)، و بیشتر احتمال دارد به

عنوان مدل‌های نقش نوع دوستی عمل کنند، در اطراف آن یک مرد ممکن است هویت خود را به عنوان یک همسر بسازد. بنابراین، مکانیزم‌های تئوری که ازدواج را به بازدارندگی از جرم ربط می‌دهند (که در بالا مختصراً شرح داده شد) می‌توانند با شخصیت خویشاوندان سببی، تضعیف یا تقویت شوند.

برادر زن‌ها و فرایند بازدارندگی

حتی اگر نمی‌توانستیم به طور تجربی بین مکانیزم‌های تئوری مختلف که برادر زن‌ها را (و خصوصاً برادر زن‌های بزهدار را) به رفتار قبل از ازدواج مرد ربط می‌دهد، از هم تمایز دهیم، داشتن یک برادر زن مجرم در گذشته ممکن است مزایای بازدارندگی ازدواج را از طریق سه مکانیزم تجربی تخریب و تضعیف می‌کند. اول، برادر زن‌های بزهدار می‌توانند به عنوان یک شریک جرم عمل کنند. دوم، آن‌ها می‌توانند فرایند بازدارندگی یک مرد مجرم پیشین را کند نمایند. سوم، آن‌ها می‌توانند مردی را که قبلاً مجرم نبوده است، به یک بزهدار تبدیل کنند. شواهد تجربی که بر هر کدام از این مکانیزم‌ها در داده‌های من چیره شود، به درک تجربی از چگونگی تاثیر فاکتورهای خارجی بر روی فعالیتهای داخلی ازدواج و تاثیر آن بر روی اثر ترویج بازدارندگی ازدواج، اضافه خواهد شد.

مشارکت در جرم

جرم‌ها معمولاً با فشار دوستان اتفاق می‌افتند. همانطور که یک برادر زن قانونمدار می‌تواند فشار اضافی ای بر روی فرد داشته باشد تا از جرم دوری کند، از همین رو یک برادر زن مجرم می‌تواند برای شریک کردن فرد در جرم فشار وارد کند. در واقع، برادر زن می‌تواند خودش به عنوان یک دوست بزهدار عمل کند. اگر چنین باشد، نرخ شراکت جرم باید بین مردان و برادر زن‌های بزهدارشان نسبت به بین مردان و برادر زن‌های غیر بزهدار، بالا تر باشد. اگر شراکت جرم اصلی ترین محرک برادر زن‌های بزهدار در تضعیف مزایای بازدارندگی ازدواج باشند، نرخ بالا تر شراکت جرم بین خویشاوندان قبل از ازدواج، با این حال می‌تواند مشکلات هم زمان ایجاد کند. چنین یافته‌هایی می‌توانند ثابت کنند که گره‌های اجتماعی بین مرد بزهدار می‌تواند خروجی ای از جنایتکاری بیشتر نسبت به دلیلی برای بازدارندگی باشد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که ازدواج در خانواده‌هایی با سابقه

بزهکاری به سادگی یک همبستگی با رفتار پیش از ازدواج است و این یک انتقال شناختی است که مقدم بر ازدواج است و تا حدودی در میان مردانی که با زنانی ازدواج می‌کنند که یک برادر بزهکار دارند، ایجاد اختلال می‌کند. بیشتر افراد در اولین ملاقات با چنین زنانی ازدواج نمی‌کنند، و شراکت قبل از ازدواج ممکن است بدین ترتیب زمان رخدادها را بیان کند.

بازدارندگی کند شده

بازدارندگی از جرم به عمل در روش‌های خاصی دلالت دارد، و هنگامی که جرم‌شناسان درباره فرایند بازدارندگی صحبت می‌کنند، آنها معمولاً به کاهش تدریجی در جنایتکاری از یک سطح به یک سطح پایین‌تر جدید اشاره می‌کنند. این همچنین به این معنی است که، به طور تجربی، فرایندهای بازدارندگی به راحتی از طریق مردان مجرم پیشین قابل اندازه‌گیری است زیرا این مردان در حال حاضر سطح جنایتکاری شان را در بزهکاری واقعی نشان می‌دهند. با توجه به تئوری‌ها، ازدواج بر روی این فرایندها تأثیر می‌گذارد و فرایند بازدارندگی را تسریع می‌بخشد، به این معنی که وقتی یک مرد مجرم پیشین ازدواج می‌کند، جنایتکاری او در مقایسه با آن‌هایی که ازدواج نکرده اند افت می‌کند. به دلیل این که این مورد به طور خاص برای ازدواج درست است، که ارتباطات بین شوهر و زن قوی است و زن در رفتارهای بزهکارانه شریک نمی‌شود، این به طور معادل برای دیگر انواع ازدواج می‌تواند غلط باشد. یک راه که در آن برادر زن بزهکار می‌تواند فرایند بازدارندگی را تخریب کند، همان‌گونه که در روند آن است. دوباره، به دلیل این که فرایندهای بازدارندگی نیاز به برخی سطوح قابل اندازه‌گیری از جنایتکاری هستند که از آن دست بکشند، بازدارندگی کند شده باید به طور تجربی بین مردانی که قبلاً مجرم بوده‌اند، مشهودتر باشد.

جنایتکاری شعله‌ور (روشن شده)

ممکن است که برادر زن بزهکار مزایای ازدواج را با ارائه راه‌های جنایتکاری برای مردانی که چنین رفتارهایی را قبل از ازدواج شان، تجربه نکرده‌اند، دچار اختلال کنند. برادر زن‌های بزهکار می‌توانند در چنین خانواده جدیدی علامت بفرستند، برای کسی که تازه به خانواده پیوند خورده است، بزهکاری دلیل خوبی برای خروج (محرومیت) نیست. این اشاره می‌کند که زن بیشتر فعالیت مجرمانه را پذیرش کرده یا درک می‌کند. برادر زن بزهکار می‌تواند همچنین مرد را با دوستان بزهکار آشنا کند. در چنین مواردی، ازدواج خلاف مکانیزم پیشنهادی تئوری اجتماع

دوستان عمل می‌کند و مرد را با دوستان کرد و کسانی که با هم اجتماع دارند آشنا می‌کند. همانطور که جرم معمولاً با فشار دوستان اتفاق می‌افتد، این میتواند یک استثنا باشد که برادر زن بزهکار منجر به نرخ جنایت بالاتر شود. بنابراین، برای مردانی که در گذشته مجرم نبوده اند، یک چیز می‌تواند منجر به نرخ بالاتر جرم بعد از ازدواج آن‌ها شود و آن ازدواج با فردی ست که او را به یک برادر زن بزهکار پیوند دهد. دیگر توضیحات در باره پیوندهای ممکن بین خویشاوندان بزهکار و بازدارندگی از جرم نیز وجود دارند. برای مثال، چیزی که به نظر می‌رسد پیوندی بین رفتار مرد و جنایتکاری خویشاوندان سببی اش است ممکن است به این صورت بیان شود که مردانی که با خویشاوندان سببی ای که هم اکنون توسط پلیس جلب شده اند یا تحت نظر هستند، پیوند می‌خورند، ریسک دستگیری آن‌ها حتی برای جرایم اندک، بالا می‌رود. اگر چنین باشد، خویشاوندان بزهکار به طور مکانیکی ریسک تشخیص را بالا می‌برند نه رفتار فردی.

سوال تحقیق

در تمام مقالات تئوری و عملی بر روی مزایای ترویج بازدارندگی ازدواج، محققان تمایل به تفسیر ارتباط تصادفی بین ازدواج و بازدارندگی دارند. این بدین مفهوم است که به طور متوسط مردان در واقع وقتی که ازدواج می‌کنند رفتارشان را تغییر می‌دهند. اثبات این ادعا، با این حال، مستلزم یک طرح تحقیقاتی است که در آن انتخاب ازدواج با توجه به تغییرات در ازدواج است که به ویژگی‌های فردی دیده شده و دیده نشده وابسته است. با این وجود، به دلیل این که هیچ محقق تا کنون چنین طرح پژوهشی را ارائه نکرده است، این ادعای تئوری و تجربی ز پایه بی اساس است.

به این سوال بر می‌گردیم که آیا برادر زن بزهکار می‌تواند مزایای ترویج بازدارندگی ازدواج را خنثی کند، که این یک چالش اساسی مشابه را مطرح می‌کند. با تمرکز بر روی مردانی که ازدواج کرده اند، از چالش مواجه با انتخاب ازدواج جلوگیری می‌شود. اکنون، انتخاب مردان در انواع مختلف ازدواج، همانطور که با توجه به جنایتکاری برادر زن‌ها تعریف شد، چالش مشابهی را ایجاد می‌کند. در اینجا، عدم تنوع که یک ویژگی فردی خارجی است، که در آن زن‌ها با برادران مختلفی هستند، اساساً آن را برای اندازه‌گیری اثر تصادفی مستقیم برادر زن مجرم بر روی بازدارندگی مرد، چالش برانگیز می‌کند. انتخاب مستقیم و سنجیده شده مرد برای ازدواج با فردی که برادری بزهکار دارد ممکن است کم اهمیت تر از فرایندهایی باشد که با آن همسران یکدیگر را انتخاب

می‌کنند (همجنس‌گرایی). ممکن است کسی بحث کند که همسران یک دیگر را انتخاب می‌کنند نه برادرهای یکدیگر را. اکنون، به دلیل ویژگی‌های همسری، خصوصا شخص جذب شده، احتمالا با ویژگی‌های خانواده همبستگی پیدا می‌کند، چیزی که به سادگی نمی‌توان مرد با برادر زن‌های مجرم را با مرد با برادر زن‌های غیر مجرم مقایسه کرد.

علاوه بر این سوال تحقیق من بر روی همبستگی‌های شرطی به دقت تمرکز داشته است و من تنها به صورت پیشنهادی و محتاطانه این همبستگی‌ها را تصادفا تفسیر نکرده‌ام. آیا جنایتکاری مردان بسته به این که آیا به یک برادر زن مجرم یا غیر مجرم پیوند خورده‌اند، متفاوت است؟ اگر چنین است، چه اتفاقی برای این تفاوت می‌افتد هنگامی که دیگر ویژگی‌های این مردان و خانواده‌شان (شامل جنایتکاری در خانواده) به حساب بیاید؟ به عنوان بخشی از سوال بعدی، تحلیلی انجام داده‌ام که آیا همبستگی بین برادر زن بزهکار و جنایتکاری مردان اساسا بین مردانی که قبلا مجرم بوده‌اند رخ می‌دهد (بازدارندگی کند شده) یا بین مردانی که قبلا مجرم نبوده‌اند (جرقه جنایتکاری)، مثل شراکت جرم بین مردان و برادر زن‌هایشان (شراکت جرم) و آیا همبستگی بین مردان و برادر زن‌هایشان که در محدوده‌ای نزدیک ساکن هستند در مقایسه با آن‌هایی که دور از هم زندگی می‌کنند، قوی‌تر است؟

پاسخ سوال اول پژوهش تعیین خواهد کرد که آیا فرایندهایی که توسط آن‌ها مردان با خانواده‌هایی ازدواج می‌کنند که برادر زن‌های مجرم دارند، باعث می‌شود مردان نیز میزان جرم بالاتری نسبت به مردانی که برادر زن غیر مجرم دارند داشته باشند یا خیر؟ هر تفاوتی بین جنایتکاری این مردان می‌تواند ناشی از مسائل انتخابی ذکر شده باشد اما می‌تواند ناشی از یک اثر گاه به گاه برادر زن بزهکار بر روی رفتار مرد نیز باشد. سوال دوم پژوهش به تفاوت‌های در خروجی اتخاذ شده با مشخصه‌های مشاهده‌ای آن مردان و خانواده‌هایی که با آن ازدواج کرده‌اند، مربوط است (برای مثال، تمرکز بر روی جنایتکاری در خانواده‌ها). پاسخ به سوال دوم تحقیق به این ترتیب به ما خواهد گفت که آیا مردانی که برادر زن‌های مجرم دارند قبل از ازدواج نسبت به مردانی که برادر زن‌های غیر مجرم دارد، بزهکارتر هستند یا خیر، خالص متغیرهای مشاهده شده در داده‌ها.

داده‌ها و روش

من از داده‌های ثبت احوال دانمارک برای تحلیل چرایی و چگونگی تغییرات بازدارندگی از جرم یک مرد با جنایتکاری برادر زن اش، بهره بردم. داده‌های ثبت احوال دانمارک توسط آژانس‌های دولتی ثبت شده اند و توسط آمار و ارقام دانمارک جمع آوری شده و سازماندهی شده‌اند. داده‌ها دقیق هستند و هیچ کاستی ای ندارند، سطح جزئیات در داده‌های ثبت احوال دانمارک از آن چه که در دیگر منابع داده است، فرا تر است.

داده‌های ثبت احوال دانمارک، شامل محدوده وسیعی از ارتباطات با سیستم رفاه است، مثل رخدادهای جمعیت-شناسی و تماس‌های عدالت کیفری. داده‌ها که در سطح فردی ثبت شده اند، قابل اتصال از طریق ثبت کنندگان هستند و در طول سال با شماره شناسایی فردی قابل پیوند دوباره هستند. آنها یک پانل جمعیت کامل را ایجاد می‌کنند که به محققین اجازه می‌دهد اعضای خانواده را با هم جفت کنند. این داده‌های همچنین به من اجازه داد تا محکومیت بزهکاری افراد را بررسی کنم. علاوه بر این، آنها به من اجازه دادند که بین مردانی که برادر زن مجرم و غیر مجرم داشته اند تمایز قائل شوم- و به آن داده‌ها گستره وسیعی از ویژگی‌های پس زمینهو همچنین اطلاعات درباره مشارکت برادر زن جدید در جرم اضافه کردند.

بنابراین، داده‌های ثبت احوال دانمارک برای اهداف من در این مقاله ایده آل بود زیرا که غیر ممکن بود با منابع داده دیگری بتوانم خنثی کردن مزایای بازدارندگی ازدواج را توسط برادر زن بزهکار تحلیل نمایم. با این وجود، خطرات کمی هنگام استفاده از این داده‌ها به من داده شد. اگرچه دانمارک دارای یکی از پایین ترین نرخ‌های جرم بین کشورهای پیشرفته‌است، این نرخ جنایت پایین دلالت بر این ندارد که دانمارک کمتر از دیگر کشورهای توسعه یافته از جرم آسیب دیده است. در واقع، دانمارک اصرار دارد که یکی از بالاترین نرخ‌های سرقت را در جهان در دهه ی اخیر دارد. نرخ جنایت پایین بنابراین به سادگی منعکس کننده محدوده وسیعی از جایگزین‌های بدون حفاظت بجای زندانی کردن در دانمارک است (مثل عفو مشروط، برنامه‌های اصلاحی، خدمات ارتباطی و نظارت الکترونیک) و این احکام در دانمارک به طور مقایسه ای کوتاه هستند.

یکی از موارد مهم این است که، نرخ ازدواج در دانمارک در 50 سال گذشته تغییرات اساسی داشته است، امروزه ازدواج به طور معمول یک دوره زندگی مشترک طولانی است. در واقع، دانمارک و دیگر کشورهای شمال شرقی پیشگامان چیزی هستند که جمعیت شناسان آن را انتقال جمعیت‌شناسی ثانویه می‌نامند، که با آن زمان بندی رویدادهای شکل گیری خانواده به طور قابل توجهی تغییر کرده است. انتقال جمعیت‌شناسی ثانویه همچنین در

دیگر ایالات پیشرفته نیز رخ می‌دهد، و به دلیل این تغییرات، نتایج گرفته شده از گروه‌های دانمارکی تولد یافته در سال‌های 1965-1975 ممکن است نتایج ممکن از گروه‌های تولد یافته جدید تری را در دیگر کشورها نشان می‌دهد.

نمونه

از داده‌های ثبت احوال، من مردانی را انتخاب کردم که در گروه متولدین 1965-1975 بودند کسانی که ازدواج اول شان را قبل از 2011 انجام داده بودند ($N=194,246$). به دلیل سن مسئولیت مجرمانه در دانمارک که برابر 15 سال است و ثبت‌های دادگاه کیفری از سال 1980 در دسترس است، گروه متولدین 1965 اولین گروه با تاریخچه کامل احکام دادگاه کیفری بودند. به دلیل این که گروه متولدین 1975، در سال 2010 سنی برابر 35 سال داشتند، بسیاری از آنها قبل از 2011 ازدواج کرده بودند (سن متوسط اولین ازدواج برای مردان دانمارکی برابر 34.5 در سال 2010 بود، آمار دانمارک، 2016). من مردانی را که گروه‌های تولد زود تری داشتند انتخاب نکردم زیرا داده‌های ثبت احوال در دسترس به من اجازه نمی‌داد آنها تا 3 سال بعد از اولین ازدواج شان، ردیابی کنم.

من سپس این مردها را در ثبت عدالت کیفری تا 3 سال بعد از اولین ازدواج شان پیگیری کردم. من نمونه را محدود تر کردم تا تنها شامل مردانی شود که زنده بودند و حداقل تا سه سال بعد از ازدواج شان مهاجرت نکرده بودند و کسانی که هیچ اطلاعات از دست رفته ای در هیچ یک از ثبت‌هایی که برای بدست آوردن متغیرهای کنترل ادغام می‌کردم، نداشتند. این کارها اندازه نمونه را تا $N=190,453$ کاهش داد.

خارج از این مردان، 66.066 نفر با زنی ازدواج کرده بودند که حداقل یک برادر داشت، که 5 سال بزرگتر یا کوچکتر از آنها بود. دلیل این که تنها برادرهای با 5 سال اختلاف سن کمتر و بیشتر شمرده شدند این بود که با فاصله بیشتر در سن مرد و برادر زنش، احتمال تاثیر گذاری آنها بر روی رفتار یکدیگر از جمله رفتار بزهکاری شان، کمتر است.

اندازه گیری‌ها

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته یک نشانگر دوتایی است که محکومیت‌های مجرمانه را در 3 سال اول بعد از ازدواج اندازه‌گیری می‌کند. برای تحلیل شراکت جرم بین یک مرد و برادر زنش، متغیر وابسته اندازه‌گیری می‌کند که آیا مرد و حداقل یکی از برادر زن‌هایش برای یک جرم مشابه محکوم شده‌اند (فایل مورد مشابه داشته‌اند)، دوباره در 3 سال بعد از ازدواج، یا نه؟. دوره پیگیری از روز عروسی آغاز شده و تا 3 سال بعد از آن تاریخ ادامه پیدا می‌کند، برای اطمینان از این که تمام مردان برای مدت زمان مشابه تحت نظر بوده‌اند. محکومیت‌ها به دستگیری مجرمانه از نقض کدهای تنبیهی بر می‌گردد.

برادر زن مجرم

یک متغیر دوتایی مشخص می‌کند که آیا یک مرد به حداقل یک برادر زن مجرم پیوند دارد یا نه یا آیا تمام برادر زن‌هایش غیر مجرم هستند یا نه. مجرمیت به گناه کار شدن در نقض کدهای تنبیهی، اشاره دارد. همانطور که اشاره شد، مهم است که، یک برادر زن تنها وقتی مرتبط محسوب می‌شود که 5 سال از مرد بزرگتر یا کوچکتر باشد. بیشتر مردان در نمونه برادر زن‌های غیر مجرم داشتند و فقط 3.131 نفر حدود 4.5٪ حداقل یک برادر زن مجرم داشتند.

متغیر شوهر

من محدوده‌ای از متغیرها را به شوهر اضافه کرده‌ام، تمام چیزهایی که قبل از ازدواجش اندازه‌گیری شده بود. تاریخ تولدش و سن اش را هنگام ازدواج برای اولین بار، اضافه کردم. تعداد خواهر و برادرهایش را حساب کردم و نشان دادم که آیا قبل از ازدواج بچه دارد یا نه (نه الزاما با همسر آینده اش). همچنین نشان دادم که آیا یک پس زمینه اقلیت قومی دارد یا نه. با ثبت‌های تحصیلی، سال‌هایی که قبل از ازدواج تحصیل کرده است را اضافه کردم. در آخر، با ثبت‌های بازار کار، اطلاعاتی در این باره بدست آوردم که آیا مرد در سال‌هایی که منتهی به ازدواجش می‌شد استخدام بود یا نه و درآمد او را در طی آن سال بدست آوردم (با دلار 10000 دلاری آمریکا در قیمت‌های سال 2014)، و چه مقدار مزایای اجتماعی در طی سال مشابه دریافت کرده است (دوباره، با دلار 10000 دلاری آمریکا در قیمت‌های سال 2014).

من 4 متغیر را اضافه کردم که تماس‌های عدالت کیفری مرد را قبل از ازدواج بررسی می‌کرد. نشان دادم که آیا تا به حال مرتکب جرم شده است یا نه (برای مثال نقض کدهای تنبیهی)، آیا در طی 3 سال قبل از ازدواجش محکوم شده بود و آیا در طی 3 سال قبل از ازدواجش دستگیر شده است یا نه.

متغیرهای زن

با توجه به زن، من بسته‌های متغیر مشابه شوهر را به جز در برخی تماس‌های عدالت کیفری، اضافه کرده ام زیرا تماس‌های عدالت کیفری برای زنان در دانمارک بسیار اندک است. یکی از تماس‌های عدالت کیفری اصلی که من برای زنان اضافه کرده ام یک نشانگر دوتایی است که آیا او قبل از ازدواج مرتکب جرم شده است یا نه. در تحلیل‌های بسط داده شده، من بیشتر جنایتکاری اخیر همسران را به عنوان یک نشانگر دوتایی از این که آیا زن در سه سال قبل از ازدواجش مرتکب جرم شده است یا نه، تعریف کرده ام.

متغیرهای شکل‌گیری خانواده

همانطور که یادآوری شد، انتقال جمعیت‌شناسی ثانویه در حال حاضر در دانمارک اتفاق افتاده است. این باعث می‌شود که هنگام تحلیل ارتباط بین ازدواج و جرم، رویدادهای تشکیل خانواده بیشتر از آنچه که ازدواج به حساب می‌آید، اهمیت داشته باشد. من بنابراین 6 متغیر را به شکل‌گیری خانواده قبل از ازدواج اضافه کردم. 3 متغیر بررسی می‌کند که آیا زن و شوهر برای 3 سال قبل از ازدواج با هم زندگی مشترک داشته اند یا نه، در حالیکه 3 متغیر دیگر بررسی می‌کنند که آیا همسران در طول آن سال‌ها بچه دار هم شده اند یا نه.

جنایتکاری خانواده

به خاطر دلایل کافی برای گمان بر این که فعالیت‌های خانواده باعث می‌شود افراد بزهکار خانواده‌هایی با سابقه بزهکاری را انتخاب کنند، من اطلاعاتی را درباره بزهکاری در میان افراد مذکر خانواده دو همسر (به غیر از برادر زن‌های مرد) اضافه کردم. این متغیرهای دوگانه تعیین می‌کردند که آیا مرد، برادری داشته است که قبلاً مجرم بوده، آیا پدر شوهر مجرم بوده است، و آیا پدر زن نیز حتی مجرم بوده است. دوباره، جنایتکاری اعضای مونث خانواده (غیر از زن) به حساب نیآورده شد زیرا تماس‌های عدالت کیفری بین زنان در دانمارک بسیار اندک است. علاوه بر این، به دلیل این که جنایتکاری خانواده یک نشانگر اساسی خانواده‌های مجرم است، من همچنین

تحلیل‌هایی انجام داده‌ام که جنایتکاری خانواده را به عنوان جنایتکاری خانوادگی اخیر تعیین کردم، که در مثال مناین گونه تعریف می‌شود که آیا اعضای مذکر خانواده در 3 سال قبل از ازدواج مرد، مجرم بوده‌اند یا خیر.

نزدیکی با برادر زن

اگر یک برادر زن بزهکار مستقیماً بر روی رفتار یک مرد تاثیر بگذارد، اثر متقابل اجتماعی بین این دو نفر مهم است. بنابراین، بعد از این که تحلیل کردم آیا رفتار مجرمانه مرد با برادر زنش بعد از ازدواجش در ارتباط است یا نه، به تحلیل این پرداختم که آیا در واقع این ارتباط بین مرد و برادر زن‌هایش که احتمال تعامل اجتماعی شان بیشتر است، قوی‌تر است یا نه. آمار دانمارکی اطلاعاتی درباره تعاملات اجتماعی ارائه نمی‌کنند، اما اطلاعاتی درباره محل اقامت شان ارائه می‌دهند. در نتیجه من از اطلاعات ثبت خانه اضافه کردم که آیا مرد (یا دقیق‌تر، زوج‌های ازدواج کرده) در منطقه‌ای که حداقل یکی از برادر زن‌هایش سکونت دارد، ساکن است یا نه (برای خانواده‌هایی که تمام برادر زن‌ها غیر مجرم هستند) یا در منطقه‌ای که یکی از برادر زن‌های مجرم سابقش در آن سکونت دارد، ساکن است یا نه (برای خانواده‌هایی که حداقل یک برادر زن مجرم در آن است).

استراتژی تحلیلی

برای پاسخ به این که آیا جنایتکاری مرد مشروط‌تر این که آیا به یک برادر زن بزهکار یا غیر بزهکار پیوند خورده باشند، متفاوت است یا نه، و برای تحلیل تنوع، از این رابطه که به دلیل ویژگی‌های آن مردان، همسرانشان، و خانواده‌های آن‌ها، ایجاد می‌شود، من سه گام تحلیلی را اجرا کرده‌ام. اول، تفاوت‌های بین جنایتکاری در دوره زندگی را بین مردانی که به انواع مختلف خانواده‌ها ازدواج کرده‌اند مشاهده کردم که به عنوان بزهکاری اعضای خانواده تعریف شد. من همچنین منحنی جنایتکاری را با منحنی مشابه برای مردانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، مقایسه کردم.

دوم، نشان دادم که در واقع نرخ جرم مردان از قبل از ازدواج تا بعد از آن کاهش پیدا می‌کند، و این حقیقت حتی مشروط بر جنایتکاری برادر زن‌هایشان نیز، صادق است.

سوم، نشان دادم که نرخ جرم مردان به شدت با این که آیا اعضای مذکر خانواده، غیر از برادر زن، قبلاً مجرم بوده‌اند، متفاوت است. همچنین نشان دادم که حتی در این خانواده‌ها، بازدارندگی با برادر زن مجرم در ارتباط است.

چهارم، آمارهایی توصیفی ای درباره مردان، همسرانشان، و خانواده شان، با مقایسه میانگین و انحراف استاندارد در تمام متغیرها، ارائه دادم. من همچنین آن‌ها را با مردانی مقایسه کردم که ازدواج کرده بودند اما با هیچ برادر زنی ارتباط نداشتند زیرا همسرشان اصلاً برادر نداشت.

پنجم، داده‌ها را به یک چارچوب رگرسیون تبدیل کردم و مدل‌هایی را تخمین زدم که جنایتکاری را در سه سال بعد از ازدواج، پیش بینی می‌کرد. یک متغیر ساختگی برای داشتن یک برادر زن مجرم که در 3 سال گذشته مرتکب جرم شده بود، قرار دادم، که آن، متغیر کلیدی در تحلیل‌هایم بود. مدل اول، تفاوت بین کنترل سال تولد مردان را، آزمایش می‌کرد. این مدل گزارش داد که، تفاوت کمی بین مردان بدون در نظر گرفتن این که چه کسی هستند (بجز گروه تولد شان) وجود داشت، بنابراین نتایج با آن‌هایی که به صورت شماتیک در گام تحلیلی دوم ارائه شده است، مقایسه شد. مدل دوم، اطلاعات پس زمینه را درباره مرد، همسرش و فرایند شکل‌گیری خانواده مشترک شان، و جنایتکاری اعضای مذکر خانواده شان، اضافه می‌کرد (در پشتیبانی اطلاعات آنلاین، نتایج برای شدن یک مدل در هر مجموعه ویژگی‌های پس زمینه، تعمیم داده شد). مدل آخر، بازتاب مدل دوم بود اما اعضای خانواده و جنایت کاری زن را به جرایم اخیر باز تعریف می‌کرد، که این، شامل جرایمی بود که در طول 3 سال قبل از ازدواج رخ داده بود.

ششم، مکانیزم‌های تجربی مشخص شده را تحلیل کردم که می‌توانست جنایتکاری خانواده سببی را به رفتار مرد پیوند دهد. در اینجا، ابتدا تحلیل کردم که آیا نتایج از بازدارندگی کند شده بین مردان مجرم سابق اتخاذ شده است یا از جرعه بزهکاری بین مردانی که قبلاً مجرم نبوده‌اند. برای انجام این کار، مدل‌های جداگانه ای را توسط مجرمان سابق، اجرا کردم. سپس تحلیل کردم که آیا نتایج مشابه (مثل همان‌هایی که در گام تحلیلی پنجم یافت شد) برای شراکت جرم بین مردان و برادر زن‌هایشان یافت شد یا نه، و آیا شراکت جرم بین مرد و برادر زنش اساساً قبل از پیوند خانواده‌ها به یکدیگر از طریق ازدواج، اتفاق می‌افتد یا بعد از آن.

هفتم، بعد از تحلیل این که آیا رفتار مجرمانه مردان بعد از ازدواج با برادر زن‌شان در ارتباط است یا نه، به تحلیل این پرداختم که آیا این ارتباط بین مردانی که با برادر زن‌هایشان در اثرات متقابل اجتماعی شریک می‌شوند، قوی تر است یا نه. این کار را با اجرای مدل‌های تجربی (همانند آن‌هایی که در گام تحلیلی پنجم بودند) بر روی زیر

نمونه‌هایی از مردانی که طبق اعلام شهرداری محل اقامت، در منطقه ای نزدیک به برادر زنشان سکونت داشتند، انجام دادم.

متغیر حاصل من، یعنی این که آیا یک مرد در 3 سال اول بعد از ازدواج محکوم شده، دوگانه است. این به طور معمول به استفاده از مدل‌های احتمالاتی، مثل مدل رگرسیون منطقی یا مدل رگرسیون پروبیت، ترغیب می‌کند. با این وجود، با پیشرفت‌هایی در متد مدل‌های غیر خطی، اعمال یک تابع غیر خطی به یک مجموعه ترکیب تجربی مثل من توصیه نمی‌شود، که من به مقایسه ضرایب تخمین زده شده در تمام مدل‌های رگرسیون علاقه مند شدم. برای تضمین مقایسه پذیری بین ضرایب رگرسیون در تمام مدل‌ها و نمونه‌ها، در نتیجه از مدل‌های احتمال خطی با بکارگیری برآوردگر کمترین مربعات ساده استاندارد، استفاده کردم. بنابراین، ضرایب تخمین زده شده باید به عنوان تفاوت در نرخ جرم مردانی که برادر زن مجرم دارند و مردانی که برادر زن غیر مجرم دارند، به عنوان خالص شامل تغییر، تفسیر شود. در پشتیبانی اطلاعات آنلاین، من برای مراجع، نتایج گرفته شده از مدل‌های رگرسیون منطقی را نیز گزارش کردم و سراسر بخش نتیجه گیری در این مقاله، نتایج کلیدی از این مدل‌ها را ذکر کرده ام.

در بخش نتایج، من فقط برآورد پارامترها از بهره اصلی را ارائه داده ام. ضرایب مربوط به بزهکاری برادر زن، شوهر، زن، و اعضای مذکر خانواده غیر از برادر زن را نشان داده ام، در نتیجه این تاثیرات مهم می‌توانند با هم مقایسه شوند. مجموعه کامل برآور پارامترها در پشتیبانی اطلاعات آنلاین، قابل دسترس است.

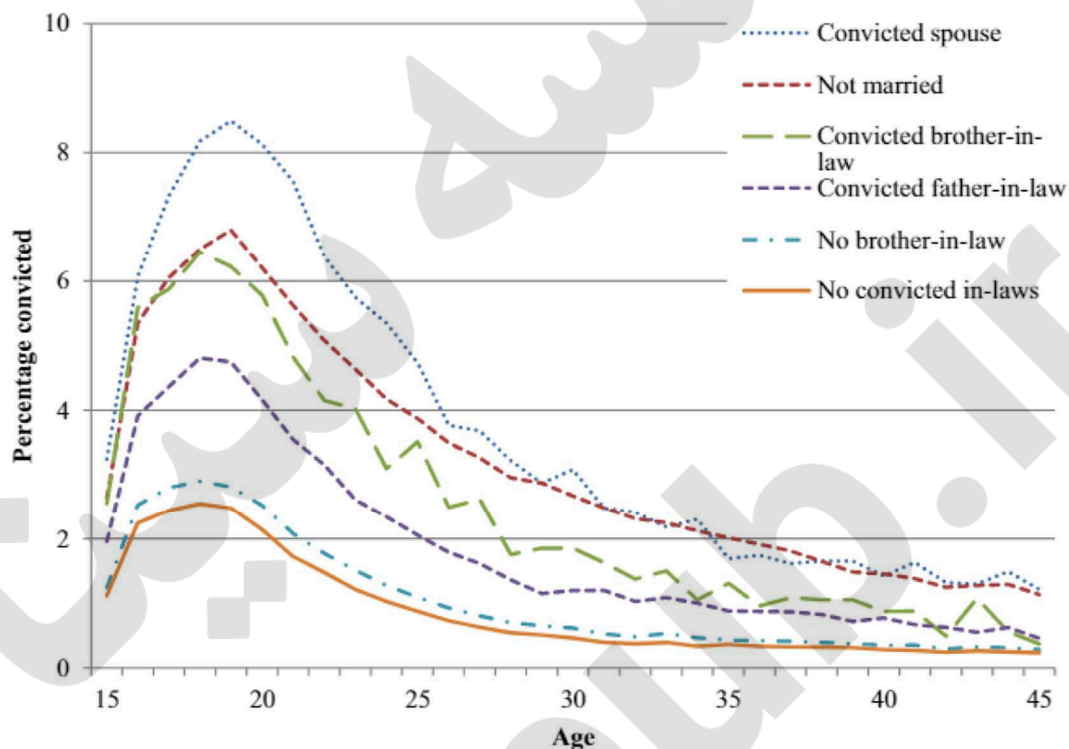
نتایج

گام 1: خانواده سببی و جنایتکاری مردان در طول دوره زندگی شان

شکل 1 منحنی‌های سن-جرم مردان را مشروط بر یک مشخصه تعریف شده از ازدواج اول شان، یعنی بزهکاری خانواده سببی، را نشان می‌دهد. تفاوت‌های قابل توجهی بین دوره‌های زندگی چنین مردانی است. خصوصاً تفاوت چشمگیری بین مردانی که با زنی ازدواج کرده اند که قبلاً مجرم بوده است و نرخ جرم بالایی دارد و مردانی که در خانواده‌هایی ازدواج کرده اند که هیچ بزهکاری در آنها نبوده است و دارای نرخ جرم پایین هستند، وجود دارد. در بین این‌ها، حداکثرها (منتهی الیه‌ها)، منحنی‌های سن-جرم مردانی است که به ترتیب صعودی، هیچ برادر زنی نداشتند، پدر زن مجرم داشتند، و یک برادر زن مجرم داشتند. مردانی که برادر زن‌های مجرم دارند

تقریباً نرخ جرم به بالایی مردانی با همسران مجرم دارند، در حالیکه مردانی که با زنانی بدون برادر ازدواج می‌کنند (در محدوده سنی مربوطه) تقریباً نرخ جرمی پایینی مشابه مردانی که در خانواده‌های بدون جرم ازدواج می‌کنند، دارند.

شکل 1. درصد جنایت به سن و نوع ازدواج، مردان دانمارکی با گروه تولد بین 1965-1975 (شکل رنگی را می‌توان در wileyonlinelibrary.com مشاهده کرد)



توجه: $N=317,169$. نتایج گرفته شده از خطی سازی چند جمله ای موضعی درجه سوم با استفاده از هسته Epanechnikov با پهنای باند 2. دسته‌ها متقابلاً منحصر به فرد نیستند.

منبع: محاسبات نویسنده بر روی داده‌های گرفته شده از آمار دانمارک.

گام 2: نرخ جرم قبل و بعد از ازدواج

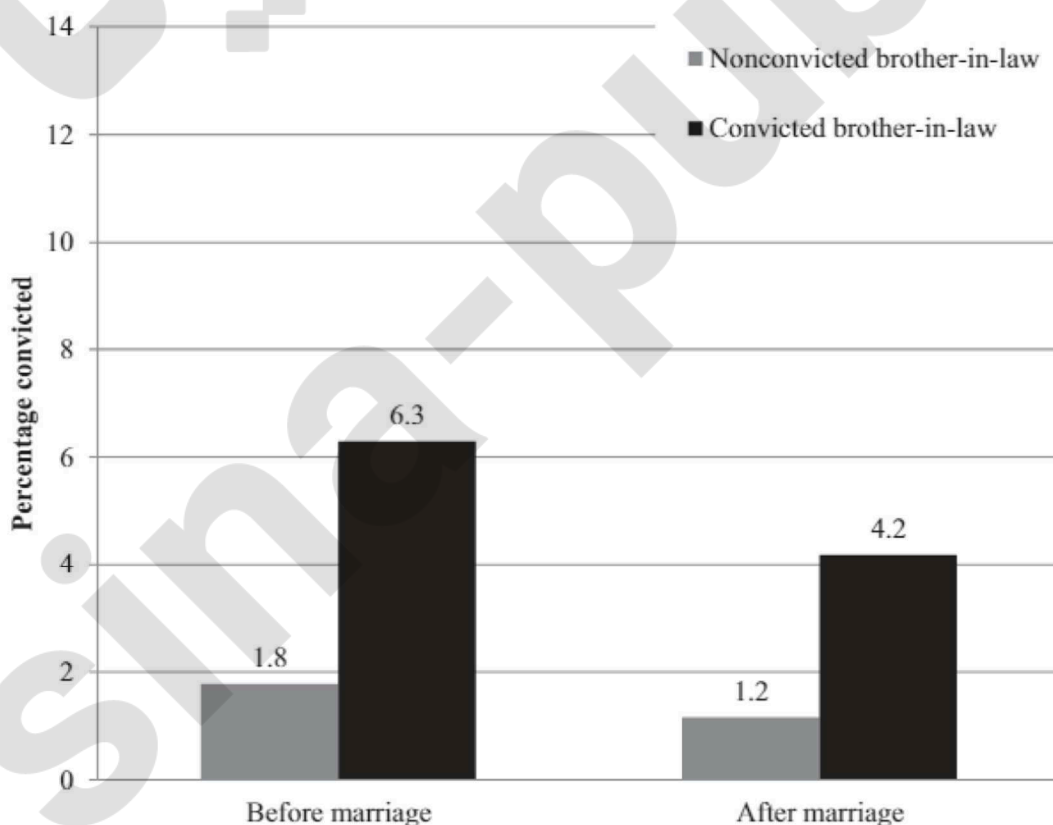
شکل 2 نرخ جرم قبل و بعد از ازدواج را برای مردانی که برادر زن مجرم و غیر مجرم دارند، مقایسه می‌کند. واضح است که حتی با حذف توزیع جرم در طول زندگی و زوم کردن (تمرکز) بر روی نرخ جرم این مردان درست قبل و بعد از ازدواج، تفاوت معنی داری بین این دو گروه از مردان وجود دارد. در طول سال‌های بعد از ازدواج، 4.2 درصد از مردانی که برادر زن مجرم دارند، خودشان مرتکب جرم شده اند، درحالیکه این مورد فقط برای

1.2 درصد از مردانی که برادر زن غیر مجرم دارند صادق است. این تفاوت یک فاکتور 3.5 است، که این گونه می‌توان بیان کرد که برادر زن‌های مجرم اثر حفاظتی ازدواج را کاهش می‌دهند.

اما فاکتور مشابه (3.5) در طول سال‌های قبل از ازدواج نیز وجود دارد. در مجموع 6.3 درصد از مردانی که برادر زن مجرم داشته‌اند، خودشان قبلاً مجرم بوده‌اند، درحالی‌که این مورد تنها برای 1.8 درصد از مردانی که برادر زن غیر مجرم داشته‌اند صادق است.

در شرایط مطلق، مردانی که برادر زن‌های مجرم دارند، اثر بازدارندگی برجسته‌تری از ازدواج را نسبت به مردانی که برادر زن‌های غیر مجرم دارند، احساس می‌کنند. در طول سال ازدواج، نرخ جرم مردانی که برادر زن‌های مجرم دارند به نقطه 1.2 درصد کاهش می‌یابد، عددی که حتی از نرخ جرم کل قبل از ازدواج‌شان، بین مردانی که برادر زن‌های غیر مجرم دارند، نیز تجاوز می‌کند. نرخ جرم مردانی که برادر زن‌های غیر مجرم دارند تنها تا نقطه 0.6 درصد کاهش می‌یابد.

شکل 2. درصد جرم سه سال قبل و بعد از ازدواج، به برادر زن‌های مجرم، مردان دانمارکی از گروه تولد 1965-1975



توجه: N=69,066

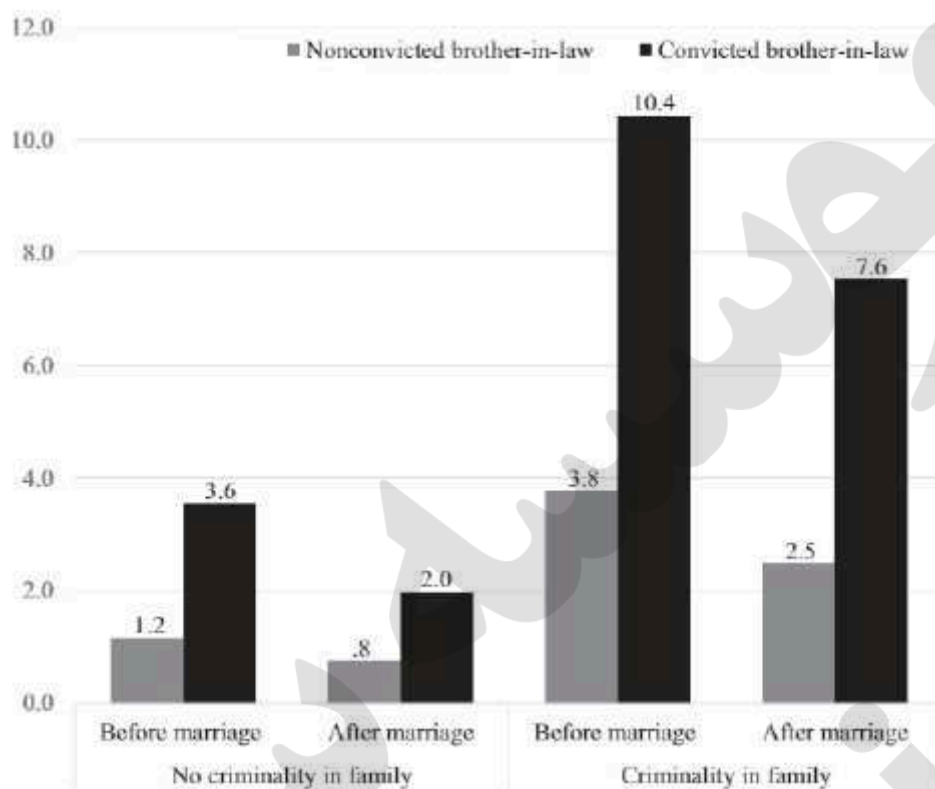
منبع: محاسبات نویسنده بر روی داده‌های آمار دانمارک.

نتایج غیر معمول که مردانی که به برادر زن مجرم پیوند خورده اند، بیشتر از اصل ازدواج بهره می‌برند، با این حال احتمالاً از تفاوت بزرگ در نرخ جرم دو گروه از مردان، ناشی می‌شود. تفاوت نسبی ثابت (با فاکتور 3.5، همانطور که ذکر شد)، بین این نرخ‌های جرم مردان قبل و بعد از ازدواج بیان می‌کند که هر دو گروه از مردان تغییرات نسبی مشابهی را در جنایتکاری از قبل تا بعد از ازدواج شان تجربه کرده‌اند. وقتی جنایتکاری قبل از ازدواج شان را در نظر می‌گیریم، بنابراین هر دو گروه احتمالاً از ازدواج نفع می‌برند، یا به همان اندازه ممکن است، کاهش جنایت از قبل از ازدواج به بعد از ازدواج به دلیل کاهش تدریجی جرم که با افزایش سن در ارتباط است باشد، نه به دلیل ازدواج.

گام 3: انتخاب خانواده‌هایی با سابقه مجرمانه

شکل 3 نرخ جرم قبل و بعد از ازدواج مردانی را نشان می‌دهد که برادر زن‌های مجرم و غیر مجرم داشته اند، مشروط بر این که آیا هیچ کدام از اعضای مذکر خانواده (غیر از برادر زن یا خود شوهر) سابقاً مجرم بوده اند یا نه. نرخ جرم مردانی که در خانواده‌هایی با سابقه مجرمانه ازدواج کرده اند بالاتر از نرخ جرم مردانی است که در خانواده‌هایی بدون سابقه جرم ازدواج کرده‌اند. هم قبل و هم بعد از ازدواج، نرخ جرم چنین مردانی حدود سه برابر بیشتر از بین مردانی است که در خانواده‌هایی بدون سابقه مجرمانه ازدواج کرده‌اند.

شکل 3: درصد متهمان سه سال قبل و بعد از ازدواج، به واسطه ی برادرزن های محکوم شده و به واسطه ی جرم و جنایت خانوادگی، مردان دانمارکی از گروه متولدین 1965-1975



هنگامی که ما در شکل جنایتکاری برادر زن ها را می بینیم، میزان جرم مردانی که دارای برادرزن های محکوم شده هستند، نسبت به مردانی که برادر زن های محکوم شده ندارند بالاتر است. این هم برای مردان متاهلی که خانواده های با سابقه ی کیفی دارند می باشند و هم برای مردانی که همچنین خانواده ای ندارند. بار دیگر، این تفاوت ها می تواند به این معنا باشد که برادر زن های محکوم شده مانع فرایند بازدارندگی مردان می شود، فقط آنها می توانند تنها منعکس کننده ی ترکیب گروه ها باشند.

مرحله 4: آمار توصیفی

زمانی که میزان جرایم پیش از ازدواج و پس از ازدواج مردانی که برادر زن های محکوم شده دارند و مردانی که برادر زن های محکوم شده ندارند به طور چشم گیری با هم تفاوت دارند، این طور به نظر می آید که احتمالاً تفاوت های دیگر و با اهمیتی در بین آنها وجود دارد. جدول 1 با مقایسه مقادیر و انحراف معیارهای استاندارد تمامی متغیرهای کنترلی در میان کسانی که برادرزن های محکوم دارند و کسانی که برادرزن ها محکوم ندارند و کسانی که هیچ برادرزنی ندارند، بر این نکته تاکید کرده است. گروه دوم نسبت به دو گروه اول بسیار بزرگتر است ، چرا که من در دو گروه اول تنها رابطه ی برادر زن ها که در محدوده ی سنی 5 سال مردان قرار داشته اند را مورد نظر قرار داده ام.

جدول 1. آمار توصیفی، مردان دانمارکی از گروه متولدین 1965-1975

Brother-in-Law's Criminality	Not Convicted		Convicted		No Brother-in-Law	
	M	SD	M	SD	M	SD
Husband						
Ever convicted	.144	.352	.267	.442	.152	.359
Ever incarcerated	.026	.160 ^a	.059	.236	.028	.164 ^a
Convicted within past 3 years	.018	.132 ^b	.063	.243	.018	.132 ^b
Arrested within past 3 years	.003	.055 ^c	.013	.114	.003	.057 ^c
No. of brothers	.688	.795	.720	.827	.666	0.776
No. of sisters	.712	.892	.754	1.099	.701	0.939
Age at marriage	30.324	4.549	28.458	4.646	30.559	4.562
Ethnic minority background	.004	.062 ^d	.008	.089	.004	.065 ^d
Years of education	13.013	2.199	12.047	2.198	13.053	2.188
Has children	.619	.486	.636	.481	.608	.488
Employed	.939	.239 ^e	.881	.524	.937	.243 ^e
Earnings	5.155	2.817	4.440	2.468	5.200	2.836
Public benefit dependence	.265	.614 ^f	.435	.788	.267	0.630 ^f
Wife						
Wife convicted	.039	.194	.107	.309	.042	.200
No. of brothers	1.137	.384	1.309	.570	N/A	N/A
No. of sisters	.487	.744	.620	.881	.925	.807
Age at marriage	29.175	4.853	27.512	4.952	29.237	4.932
Ethnic minority background	.004	.060 ^d	.010	.101	.004	.060 ^d
Years of education	12.940	2.138	11.663	2.094	13.016	2.114
Has children	.646	.478	.695	.461	.634	.482
Employed	.844	.362 ^h	.752	.432	.846	.361 ^h
Earnings	3.382	2.161	2.662	1.969	3.420	2.177
Public benefit	.983	1.119	1.366	1.389	.953	1.102
Shared						
Cohabiting year before marriage	.878	.327	.804	.397	.884	.320
Cohabiting 2 years before marriage	.763	.426 ^l	.666	.472	.764	.425 ^l
Cohabiting 3 years before marriage	.639	.480 ^j	.549	.498	.640	.480 ^j
Shared children year before marriage	.588	.781 ^{kl}	.571 ^k	.786	.555	.789 ^l
Shared children 2 years before marriage	.426	.702 ^{m,n}	.412	.710 ^m	.398	.677 ^m
Shared children 3 years before marriage	.308	.621 ^{o,p}	.304	.629 ^o	.284	.594 ^p
Family Criminality						
Husband's brother convicted	.097	.296	.149	.356	.101	.301
Husband's father convicted	.065	.246	.079	.270	.067	.251
Wife's father convicted	.070	.254	.183	.386	.074	.262
N	65,935		3,131		121,387	

جدول 1 نشان میدهد که تفاوت های زیاد میان مردان که وابستگی با جنایتکارهای برادران خود دارند وجود دارد. از لحاظ آماری بیشترین تفاوت ها در سطح 5 واقع شده است، اما این نتایج به احتمال زیاد به واسطه ی تعدد میزان مشاهدات از لحاظ مکانیکی قابل تغییر می باشند. مهمتر از همه ، تمام ردیف های جدول نشان می دهند که مردانی که برادر زن های محکوم دارند بیشتر از کسانی که برادر زن محکوم ندارند و یا هیچ برادر زنی ندارند ضرر می بینند. برای مثال قبلا محکوم شده ، قبلا متهم شده و اخیرا دستگیر شده در میان مردانی که برادرزن های محکوم دارند سهم بیشتری دارد. این مردان از خانواده های بزرگ و پر جمعیت می آیند (آنها خواهر ها و برادران زیادی دارند) و به نسبت کسانی که برادر زن های محکوم ندارند بسیار زودتر و در سن کمتر ازدواج می کنند. علاوه بر این ، آنها تحریلات کمی دارند و شرایط کسب کاری ضعیفی دارند. زمانی که به همسران آنها نگاه می کنیم ، آنها همسرانی مشابه به خودشان انتخاب کرده اند. همسران آنها نیز به احتمال زیاد قبلا محکوم شده اند، و آنها نیز در زمان ازدواج بسیار جوان بوده اند. همسران آنها بسیار کم سواد هستند و در مقایسه با افرادی که برادر زن یا برادر شوهر محکوم ندارند و یا هیچ گونه برادر زن یا برادر شوهری ندارند از وضعیت اقتصادی ضعیفتری برخوردارند. رویدادهای خانوادگی به غیر از ازدواج ، الگوی جالبی را نشان می دهد. اولاً، مردانی که

برادر زن های محکوم شده دارند ، این احتمال در آنها بیشتر از دیگر مردان است از همسر آینده ی خود سه سال قبل از ازدواج فرزند دار شوند. با این حال، هم زن و هم شوهر نسبت به دیگر مردان و دیگر زن و شوهر ها در این باب از احتمال بیشتری برخوردارند. این مطلب نشان می دهد که مردانی که برادرزن های محکوم شده دارند و همسران آنها در داشتن فرزند پیش از ازدواج نسبت به دیگر افراد سهم بیشتری را به خود اختصاص می دهند و این نتایج در دیگر تحقیقات نیز به دست آمده است. دوم ، اگر چه مردانی که برادر زن های محکوم شده دارند و همسرانشان در مقایسه با دیگر افراد در فرزندار شدن 3 سال پیش از ازدواج از احتمال بیشتری برخوردارند ، اما این افراد میزان همبستگی کمتری دارند. برای مثال ، در سال قبل از ازدواج ،دوره میگه تنها ۸۰ درصد از مردایی که برادر زنشون رو به زندان انداخته بودن در همون ادرسی که زن آیندشان زندگی کرده است دیده شدن. همین تعداد برای دیگر مردان نزدیک به 90 درصد است. در کل، آمارهای توصیفی در مورد تشکیل خانواده او نسبت به ازدواج، نشان می دهد که شغل مردان با رویدادهای مربوط به برادرهای محکوم شده ی آنها ارتباط دارد و همسرانشان قبل از ازدواج با آنها ، پیش تر ازدواج کرده اند. نکته پایانی، مجرمین از اعضای خانواده ی مرد(به غیر از متاهلین) نیز انتخابات خاصی را به خانواده ها اختصاص می دهند. از مردانی که برادر زن یا (باجناق) بزهکار دارند، اکثرا دارای برادران پیشتر محکوم شده را دارا هستند ، بخش اعظمی دارای پدرانی هستند که پیشتر محکوم شده اند، و بخشی زیادی از این افراد همسرانی اختیار کرده اند که پدرش قبلا محکوم شده بوده است(نزدیک به 20 درصد ، که بیش از دو برابر نسبت مردانی است که به زندان نرفته اند و یا برادر زن ندارند). در نتیجه، جرم و جنایتکاری در واقع در درون شبکه های خانوادگی متمرکز است.

مرحله 5: آیا برادرزن یا برادرشوهر متخلف از اهمیت برخوردار است؟

جدول دو بیش از اتحادهای دوگانه حرکت کرده است و نتایج را از مدل های برگشتی اصلی ارائه می کند. جدول کاملی از تخمینهای حاصله از مدل احتمالی خطی ، در جدول S1 در اطلاعات پشتیبان آنلاین موجود است و جدول کاملی از تخمین حاصله از مدل رگرسیون منطقی در جدول S7 موجود است. مدل اول در جدول 2 ارتباط قابل توجه آماری و مثبتی را در بین دارندگان برادرزن و برادر شوهر های دارای محکومیت و جنایت های پس از ازدواج نشان می دهد. این برآورد نشان می دهد که مردانی که برادرزن زندان رفته دارند سه درصد بیشتر از دیگر افراد در معرض جرم و جنایت قرار دارند. این مطالب با یافته های قبلا ذکر شده از شکل دو سازگار است)

این تفاوت مطابق با میزان احتمالات 3.5 است، مدل 1 در جدول 7S در اطلاعات پشتیبانی آنلاین؛ مجدداً با ضریبی که قبلاً ذکر شده است مطابقت دارد. ارتباط بین داشتن برادر زن زندان رفته و جرایم پس از ازدواج به عنوان اطلاعاتی درباره شوهر، همسرش، رویدادهای مشترک خانواده هایشان البته به غیر از ازدواج، کاهش می یابد ریال و جرایم و جنایات دیگر اعضای مذکر خانواده به مدل اضافه شده است. برآوردها در مدل تمامی اطلاعات را شامل می شود و این اطلاعات حاکی از آن است که مردان دارای برادرزن های زندان رفته هستند، میزان درصدشان 1.1 می باشد (میزان شانس (OR)=1.2) میزان جرم پس از ازدواج این افراد نسبت به دیگر کسانی که برادر زن بزهکار ندارند، بالاتر است.

جدول 2: نتایج حاصله از مدل های احتمالی خطی که خطر مردانی که در طی سه سال پس از ازدواج محکوم شده اند را برآورد می کنند. مردان دانمارکی گروه متولدین 1965-1975

Model Variable/Model Description	(1) No Controls	(2) All Family Criminality	(3) Recent Family Criminality
Brother-in-law convicted within past 3 years	.030*** (.004)	.011** (.003)	.011** (.003)
Ever convicted		.017*** (.002)	.018*** (.002)
Ever incarcerated		.039*** (.006)	.039*** (.006)
Convicted within past 3 years		.096*** (.010)	.092*** (.010)
Arrested within past 3 years		.086*** (.026)	.081** (.026)
Wife convicted		.016*** (.004)	.097*** (.017)
Husband's brother convicted		.007*** (.002)	.020*** (.005)
Husband's father convicted		.012*** (.003)	.026** (.010)
Wife's father convicted		.005* (.002)	.006 (.007)
Cohort dummies	YES	YES	YES
Husband covariates		YES	YES
Wife covariates		YES	YES
Shared covariates		YES	YES
Family criminality		YES	YES
R ²	.004	.071	.074
N	69,066	69,066	69,066

این تفاوت از لحاظ آماری با اهمیت است و برای مجموعه ی وسیعی از اطلاعات ذکر شده در بخش داده ها، از جمله جرایم مردان در طول سه سال پیش از ازدواج، مورد کنترل قرار می گیرد. در واقع، با در نظر گرفتن نرخ مجموع جرایم پس از ازدواج، این تفاوت قابل ملاحظه است. بنابراین، حتی با در نظر گرفتن مجموعه ی وسیعی از تفاوت های بین مردانی که برادرزن های متفاوتی دارند، جنایتکاری و جرایم برادرزن هنوز به نظر می رسد

مانعی برای مجازات کیفری باشد. با این حال، مهم است که توجه داشته باشید که برآورد مربوط به داشتن برادر زن زندان رفته، در مقایسه با برآوردهای مربوط به دیگر اعضای خانواده بسیار کوچک و ناچیز است (و اگر چه این برآورد از مدل احتمالی خطی که در سطح 1 درصدی از لحاظ آماری قابل توجه است، اما این برآورد تنها در 10 درصد از مدل رگرسیون محاسباتی دارای اهمیت است و اطلاعات پیشبینی کننده آنلاین را ارائه می کند. در واقع، تاثیر گذاری حاصله از شبکه خانوادگی گسترده تر که پس از ازدواج به یکدیگر متصل می شوند بسیار کمتر از تاثیر پذیری است که خود فرد پیشتر جنایت کار بوده باشد (9.6) (OR=1.9) و 8.6 (OR=1.6) درصد جرم در میان مردانی که محکوم شده اند و زندانی شده اند در سه سال گذشته بالاتر است) و جرایم و جنایات همسرانشان (تقریباً 2 درصد) (OR=1.4) میزان جرم مردانی که همسرانشان قبلاً محکوم شده اند بالاتر است). این یافته ها نشان می دهد که اگر چه تاثیرات شبکه های اجتماعی گسترده تر پس از ازدواج در رابطه با فرایند بازدارنگی با اهمیت است اما محرک اصلی نرخ جرم مردان پس از ازدواج جرایم خودشان و جنایتکاری های همسرانشان است. ستون آخر از جدول 2 نتایج را نشان می دهد که از ارزیابی جنایات اعضای خانواده ی مرد و زن در سه سال گذشته تا زمان ازدواج بدست آمده است. نتایج نشان می دهد که حتی در زمان کنترلهای مربوط به ازدواجهایی که به تبع آن خانواده هایی که اخیراً در بازار جرم و جنایت فعال بوده اند، با هم متحد می شوند، بین مردانی که برادر زن های محوم شده دارند و مردانی که برادرزن محکوم شده ندارند تفاوت وجود دارد، (میزان برآورد در مدل رگرسیون محاسباتی مربوطه، مدل 3 در جدول S7 در اطلاعات پشتیبانی کننده آنلاین در سطح پنج درصد از لحاظ آماری قابل توجه است. این آمار با وجود اینکه از لحاظ آماری اهمیت متغیرهای مربوط به تخلفات اعضای خانواده مرد را نشان می دهد، اما به این مطلب اشاره دارد که برادر زن محکوم شده مانعی برای فرایند بازدارنگی است و هر آنچه با تخلفات خانواده مرتبط می شود را بالا می برد. در واقع، تفاوت های برآورد شده در میزان جرم این مردان با مدل قبلی یکسان است، اگر چه میزان تاثیرگذاری اعضای خانواده مرد و جنایت های زن نسبت به مدل قبلی بسیار بیشتر است. ضرایب برآورد شده مرتبط به جرایم و جنایتکاری زن تا حدود شش برابر افزایش یافته است (OR=2.2). علاوه بر این ضریب مرتبط با جنایات برادر شوهر تا حدود سه برابر افزایش یافته است (OR 1.6). هر دوی این نتایج نشان می دهد که جنایات مجرمانه یکی از دوستان و نزدیکان مرد مثل همسر و برادرش برای شناخت رفتار او بسیار با اهمیت است.

مرحله 6: مشارکت در جرم و محکومیت قبلی

جدول 3 محکومیت های قبلی را نشان می دهد. میزان جرم مردانی برادر زن بزهکار دارند نسبت به میزان جرم مردانی که برادر زن های بزهکار ندارد حتی در زمانی که این نتایج به واسطه ی محکومیت های قبلی با شکست مواجه شده باشد، بالاتر است. در رابطه با مردانی که قبلا محکوم شده اند، تفاوت برآوردها از لحاظ عددی بالاتر است، اما این برآوردها از لحاظ آماری ناچیز می باشد (به احتمال زیاد به این دلیل که تعداد کمتری در این نمونه مشاهده شده است). در رابطه با مردانی که سابقه ی محکومیت ندارند، که اکثریت نمونه را به خود اختصاص می دهند، میزان جرم پس از ازدواج به شکل قابل توجهی از لحاظ آماری به واسطه ی جنایات برادر زن هایشان متفاوت می باشد. تفاوت برآوردها از لحاظ عددی در میان مردانی که سابقه ی محکومیت دارند بسیار ناچیز است. برآوردها نشان می دهند که حتی در این مدل که تمامی خصوصیات زن و شوهر شغل خانواده یشان و جنایت های اعضای خانواده هایشان را مورد نظر قرار داده است، مردانی که سابقه ی محکومیت ندارند و دارای برادرزن زندان رفته هستند، میزان جرمشان حدود 5 درصد بالاتر از مردانی است برادر زن محکوم شده ندارند. این میزان با وجود تاثیرات قابل توجه آماری سایر متغیرها مانند جرایم خانوادگی و جرایم اخیر خانواده که به شدت با جرایم پس از ازدواج در ارتباط است، تحت تاثیر قرار می گیرد (نتایج در جدول های S2 و S3 در قسمت اطلاعات پشتیبانی کننده آنلاین نشان داده شده است). باز هم نتایج به طور یکنواخت نشان می دهند که حتی اگر چه انتخاب مردان مجرم در درون خانواده با سابقه ی جنایی بسیار فراوان است، اما مردان غیر متخلف که برادر زن های محکوم شده دارند به واسطه ی ازدواج جرایم پس از ازدواج بالاتری را به خود اختصاص می دهند. بنابراین نتایج نشان می دهد که حتی اگر چه محکومیت پس از ازدواج در میان مردانی که سابقه ی محکومیت ندارند امری نسبتا نادر است، اما دسترسی به یک برادر زن محکوم شده، پتانسیل بالقوه ای برای مشتعل کردن جرم و جنایت در میان مردانی است که قبلا محکوم نبوده اند. در رابطه با مردانی که قبلا محکوم شده اند، از لحاظ آماری نتایج ضعیف تر است. با این حال، ارقام عددی بزرگتر و برآوردهای مثبت متداول مربوط به مردان پیشتر محکوم شده نشان می دهد که همبستگی با یک برادر زن محکوم شده ممکن است باعث تضعیف اختیار در میان مردان سابقه دار شود.

جدول 3: نتایج حاصله از مدل های احتمالی خطی که خطر مردانی که در طی سه سال پس از ازدواج محکوم شده اند و سابقه ی محکومیت قبلی دارند را برآورد می کنند. مردان دانمارکی گروه متولدین 1965-1975

Model Variable/Model Description	(1)	(2)	(3)
	No Controls	All Family Criminality	Recent Family Criminality
Previously Convicted Men			
Brother-in-law convicted within past 3 years	.064*** (.011)	.013 (.011)	.014 (.011)
R ²	.007	.102	.107
N	10,362	10,362	10,362
Previously Nonconvicted Men			
Brother-in-law convicted within past 3 years	.010*** (.003)	.006* (.003)	.006* (.003)
R ²	.001	.010	.010
N	58,704	58,704	58,704
Cohort dummies	YES	YES	YES
Husband covariates		YES	YES
Wife covariates		YES	YES
Shared covariates		YES	YES
Family criminality		YES	YES

مشارکت در جرم

جدول 4 نتایج مربوط به مشارکت در جرم هم پیش از ازدواج و هم پس از ازدواج را نشان می دهد. اولین دیدگاه حاصله از این جدول بیانگر کمترین میزان مشارکت در جرم بین مردان و برادر زن هایشان است. تنها 0.5 درصد از مردان قبل از ازدواج و 0.2 درصد از مردان پس از ازدواج با برادرزن هایشان در جرم مشارکت کرده اند. در تمامی مدل ها، مردانی که برادر زن های محکوم شده دارند میزان مشارکتشان در جرم بالاتر از مردانی است که برادر زن محکوم شده ندارند. باز هم این نتیجه نشان می دهد که همبستگی و داشتن ارتباط با یک برادر زن محکوم شده می تواند باعث کاهش ترویج منافع ازدواج شود چرا که ارتباط فامیلی جدید بین مرد و برادرزنش پس از ازدواج می تواند منجر به افزایش همکاری آنها در جرم شود. با این حال، جالب توجه است، میزان مشارکت در جرم در میان مرد و برادر زنش در طی سالهای قبل از ازدواج افزایش پیدا می کند. در طی سالهایی که منتج به ازدواج می شود برادرزن آینده که قبلا محکومیت داشته است، به نظر می رسد که بر رفتار داماد آینده تاثیر می گذارد؛ این امر در نگاه اول عجیبه نظر می رسد چرا که هنوز تاثیرات بازدارنده ازدواج ترویج پیدا نکرده است. اما نتایج به خوبی با ایده نظری که مزیت ترویج بازدارنگی ازدواج بیان می کند، مطابقت دارد، در واقع این مزیتها پیشگام ورود به ازدواج می باشد و با ایجاد تحول شناختی مردان را برای ازدواج و جرم

کمر آماده می کند. آیا همسر آینده ای که یافته اید، برادرزن محکوم شده دارد که مانع تحول شناختی شما می شود، که این مسئله می تواند حتی پیش از ازدواج منجر به کاهش بازدارندگی؟

جدول 4: نتایج حاصله از مدل های احتمالی خطی که خطر محکومیت مردان را در رابطه با مشارکت در جرم با برادر زن هایشان در طی سه سال قبل و بعد از ازدواج برآورد می کنند، مردان دانمارکی از گروه متولدین 1975-1965

Model Variable/Model Description	(1) No Controls	(2) All Family Criminality	(3) Recent Family Criminality
Before Marriage			
Brother-in-law convicted within past 3 years	.019***	.009***	.009***
R^2	(.003)	(.002)	(.002)
	.003	.072	.076
After Marriage			
Brother-in-law convicted within past 3 years	.013***	.008***	.008***
R^2	(.002)	(.002)	(.002)
	.003	.032	.032
Cohort dummies	YES	YES	YES
Husband covariates		YES	YES
Wife covariates		YES	YES
Shared covariates		YES	YES
Family criminality		YES	YES
N	69,066	69,066	69,066

مرحله 7: نزدیکی بودن به برادر زن

جدول 5 نشان دهنده ی نتایج حاصله از مرحله تحلیلی است که محدود به نمونه هایی شده است که تنها مردانی را شامل می شود، که در مجاورت برادر زن هایشان زندگی می کنند. در زمانی که شهردای در حال تفسیر محل اقامت به عنوان یک نماینده برای تایید نتایج گرایش تعاملی است انتظار می رود که اگر تمایل برای تعامل با یک برادر زن محکوم شده بالا باشد، آنگاه این تمایل فرایند بازدارندگی مرد را ضعیف می کند. برآوردهای موجود در جدول 5 به طور متقارن بالاتر از برآوردهای اصلی هستند که در آنها نزدیک بودن به برادر زن محاسبه نشده است (اگر چه برآورد پارمترهای مرتبط با داشتن یک برادر زن محکوم شده تنها از لحاظ آماری در 10 درصد از کل مدل قابل توجه می باشد). با این حال تفاوت ها کوچک هستند و برآوردها تنها در اعشار سوم متفاوت است، که این نشان می دهد نزدیک بودن به برادر زن شاید زیاد با اهمیت نباشد.

بحث و بررسی

محاسبات علمی ارتباط بین ازدواج و بازدارنگی ناشی از اعتراف به جرم، اگر چه به هیچ وجه به میزان زیادی نیست، اما عوامل خانوادگی به غیر از پویایی درونی ازدواج، می تواند برای رابطه ی زناشوی بین مرد و زن با اهمیت باشد.

جدول 5: نتایج حاصله از مدل های احتمالی خطی که خطر محکومیت مردان را در طی سه سال قبل و بعد از ازدواج برآورد می کند. مردان دانمارکی از گروه متولدین 1965-1975 که در همان منطقه ای برادر زنهایشان اقامت دارند.

Model Variable/Model Description	(1)	(2)	(3)
	No Controls	All Family Criminality	Recent Family Criminality
Brother-in-law convicted within past 3 years	.037*** (.007)	.012 (.006)	.013* (.006)
Cohort dummies	YES	YES	YES
Husband covariates		YES	YES
Wife covariates		YES	YES
Shared covariates		YES	YES
Family criminality		YES	YES
R ²	.005	.079	.089
N	21,923	21,923	21,923

با این وجود، یافته های بدست آمده از تحقیقات تجربی در مورد رابطه، عمدتاً ازدواج را به عنوان فرایند دوتایی و زوجی دیده اند، این به دان معناست که ازدواج اتحادی است که تنها بین زن و شوهر تشکیلی می شود. زمانی که جنایت های پس از ازدواج مرد به واسطه ی سابقه ی جنایی یک برادر زن به گونه ای که این مقاله نشان داده است، تغییر می کند، این امر دارای مفهومی هم برای تحقیقات تجربی و هم تحقیقات علمی است. در واقع، نتایج در این مقاله، مشاهدات بدست آمده توسط ایلدر (1998، 1994) که مرتبط به روابط اجتماعی است را تایید می کند، این نتایج به دان معناست که شبکه های هر یک از زوجین (مرد یا زن) برای نوع محدودیت های رفتاری هر ازدواج که ممکن است بر روی زن یا شوهر اعمال شود، با اهمیت است. نتایج نشان می دهد که جنایتکاری خود زوجین برای چگونگی احتمال اینکه یک ازدواج فرایند بازدارنگی را ترویج دهد بسیار مهم است. این یافته ها با دستاوردهای تحقیقات موجود مطابقت دارد، و اهمیت خصوصیات زوجین و استحکام روابط آنها را برای بازدارندگی تایید می کنند، و ظاهراً این نتیجه گیری قابل اطمینانی است که خود طرفین ازدواج برای منافع ترویج بازدارنگی ازدواج بسیار مهم هستند. با این حال، در این مقاله، به منظور نشان دادن وسعت نفوذ ازدواج دو نفر که می توان برای بازدارندگی با اهمیت باشد، بر روی برادر زن محکوم شده تمرکز شده است، و نتایج افزایش

تمرکز بر روی این نظریه نشان می دهند که چگونه دوستان و اقوام زوجین فرایند بازدارندگی را تحت تاثیر قرار می دهند. تحقیقات تجربی نیز این مزیت را در نظر گرفته اند که ازدواج به طور همزمان دو خانواده را با هم متحد می سازد، که این امر می تواند منجر به ناهماهنگی های با اهمیتی در چگونگی منافع ترویج بازدارندگی ازدواج شود. به طور خلاصه، نتیجه ی حاصله از این مقاله نشان می دهد که خصوصیات اعضای فامیل جدید (به غیر از همسر) ممکن است برای چگونگی احتمال اینکه یک ازدواج تاثیر مثبتی داشته باشد و منجر به این شود که زوجین در مسیر بازدارندگی کیفری قرارگیرد بسیار با اهمیت است. زمانی که جرایم مردان بسته به اینکه آیا دارای یک برادر زن های محکوم هستند یا خیر، متفاوت است، این امکان وجود دارد که این تفاوت با فرایند های اجتماعی خاص توضیح داده شود. مردان با خصوصیات خاص که با جرم و جنایت ارتباط دارند نیز به احتمال زیاد به این دلیل به این جرایم سروکار دارند که با خانواده ای با سابقه ی کیفری ازدواج کرده اند. به این ترتیب، محکومیت ها به سادگی نشان دهنده ی این واقعیت هستند که تغییرات خانوادگی یک متغیر اجتماعی است که به واسطه ی همگانی اجتماعی هدایت می شود. با این حال، نتایج در این مقاله ارتباط بین جنایتکاری مرد و برادر زنهایش را برای دیگر و خصوصیات این مردان، همسران آنها، فرایند تشکیل خانواده ی آنها و بزهکاری دیگر اعضای خانواده که به دلیل ازدواج با هم ارتباط پیدا می کنند مورد کنترل قرار داده است. نتایج حاصله از محکومیت های قبلی، مشارکت در جرم، و نتایج بدست آمده از اعضای خانواده که در نزدیکی و مجاورت هم ساکن هستند یافته های اصلی را به صورت جداگانه و مجزا تایید می کنند. بسیاری از متغیرهای مرتبط با انتخاب افراد برای ازدواج در درون خانواده ها در نظر گرفته می شود، با این وجود ارتباط بین جنایتکاری مردان و برادرزن هایشان همچنان ادامه دارد. در فقدان تغییر پذیری در برادر زن ها که احتمالاً برون زادی از خصوصیات مردان، زنان و خانوادهایشان است، ارتباط مداوم بین جرایم مردان و برادر زنهایشان می تواند هنوز سبب ساز این باشد که تغییرات خانوادگی به شکل دیگری خانواده ها را با هم مرتبط کند. در واقع، ویلد من و ویکفلید در سال 2014 نشان دادند که حبس بودن بیشتر در شبکه های خانوادگی متمرکز شده است این در حالی است که نتایج بدست آمده از تحقیقات این مطلب را بیشتر به صورت کمی نشان داده اند. این محدودیت کنکاش و بررسی بیشتر در ارتباط با تحقیق در مورد دلیل ارتباط بین ازدواج و جرم و جنایت بوده است. سوالاتی مربوط به علیت (روابط بین علت و معلول) همیشه جذاب و مرکز تفکرهای نظری و تجربی است. با این حال، این واقعیت

ساده که تغییرات خانوادگی و فرایندهای تشکیل خانواده جنایتکاری را در درون شبکه های خانوادگی متمرکز می کند، مضاف بر دانش ما از موضوع این مقاله دارای اهمیت است. نتایج گزارش شده در این مقاله به صورت رسمی مشخص نمی کنند که کدام یک از چهار نظریه ارائه شده (یعنی نمونه انتخاب، نظریه کنترل اجتماعی غیر رسمی طبقه بندی سنی، نظریه ارتباط هم تراز، و تئوری تحول شناختی) ارتباط بین ازدواج و بازدارندگی از جرم از دیگری صحیح تر است. در عوض، نتایج تجربی ما، اطلاعات و آگاهی را در مورد چگونه بزهکاری برادرزن ها با زیر مجموعه های مختلف مردان در نمونه های ما مرتبط است، ارائه می کند. نتایج نشان می دهد که جنایات پس از ازدواج مردان با برادر زن های محکوم شده از میزان جنایات در میان هم مردانی که قبل محکومیت داشته اند و هم مردانی که محکومیت نداشته اند بالاتر است. این بدان معنی است که پیوستن به برادر زن های بزهکار می تواند هم فرایند بازدارندگی را در میان مردانی که قبلا سابقه ی محکومیت داشته اند تقلیل بخشد و هم شعله ی جرم و جنایت در میان مردانی که سابقه ی محکومیت نداشته اند مشتعل میکند. نتایج به دست آمده راجع به مشارکت در جرم واقعا ضعیف هستند چراکه نرخ مشارکت در جرم در نمونه ها کم است. با این حال، میزان مشارکت در جرم بین مردان و برادر زن هایشان، به شکل قابل توجهی بالا است، البته در صورتی که برادر زن سابقه ی محکومیت داشته باشد. با این حال، مهم این است که نشان هایی وجود دارد که نشان می دهد مشارکت در جرم پیش از ازدواج هم صورت گرفته است. این یافته ها به طور همزمان نکته ای ایجاد می کند که می تواند دو مورد جالب توجه داشته باشد. اگر چنین باشد تحقیقات آینده باید محدودیت زدایی زمانبندی رویدادهای تشکیل خانواده را هدف قرار داده و روابط با خانواده همسر را مد نظر قرار دهند. دیگر اینکه فرایند ترویج بازدارندگی در میان مردان متاهل شده ممکن است قبل از ازدواج آغاز شود، همانطور که نظریه تحول شناختی اشاره می کند و آغاز ارتباط با یک برادر زن محکوم شده تحول شناختی مردان مجرد و متخلف را تضعیف می کند. باز هم به دلیل اینکه منایج مربوط به مشارکت در جرم به طور کلی ضعیف است، این یافته ها و مفاهیم آن فقط طعمه ای برای بررسی تحقیقات آینده است. آخرین نتایج تجربی با توجه به پراکندگی جغرافیایی اعضای خانواده یافته های مهمی را تایید می کند: ارتباط بین بازدارندگی از جرم و برادر زن محکوم شده به نظر می رسد تنها زمانی قوی تر می شود که زوج های متاهل در همان شهری زندگی کند که برادر زن زندگی می کند. با این حال، این واقعیتی است که این ارتباط تنها بخش ناچیزی از تفاوت های حاصله از ارتباط

کلی بین بازدارندگی از جرم و داشتن برادر زن محکوم شده است، چرا که با فن آوری های ارتباطی مدرن، مانند ارتباطات آنلاین نزدیکی جغرافیایی برای روابط خانوادگی بی اهمیت شده است. این امکان نیز وجود دارد که نتایج از کشور کوچکی مانند دانمارک بدست آمده باشد، چرا که در چنین کشوری حتی مناطق دور افتاده در عرض چند ساعت قابل دسترسی هستند. در زمانی که بازدارندگی نقش بسیار با اهمیتی را برای ارتباط بین جنایتکاری مرد و برادر زنهایش ایفا نمی کند، آنگاه این مسئله به محدودیت وسیع تر از مطالعات فعلی اشاره می کند. این نتایج از کشور دانمارک به دست آمده اند، کشور کوچک اسکاندیناوی که از جهات بسیاری با دیگر کشورهای دموکراتیک توسعه یافته متفاوت است، که این امر باعث افزایش تعمیم پذیری می شود. مهم تر همه این است که ازدواج بالاتر از ده سال در ایالات متحده بسیار متمایز شده است و ازدواج در حال حاضر بر انتخاب شخصی و تکامل فضایل خود فرد در رابطه با پشتکار تاکید دارد. علاوه بر این، الگوهای ازدواج، طلاق به شکل قابل توجهی تغییر کرده است. این مشاهدات دو سوال مهم را مطرح می کنند. اول، آیا منطقی و معقولانه است که در شرایط ازدواج فردی در مورد بازدارندگی از خانواده همسر انتظاری داشته باشیم؟ به طور قطعی انتخاب ازدواج (یا عمدا طلاق) با همسری که خانواده بزهکار دارد، نمی تواند مرد را به آنچه در پی دستیابیش بوده است (توسعه ی خود) برساند. این فرایند مجددا اشاره به این دارد که نوع خاصی از مردانی، خودشان انتخاب می کنند که با همسری با خانواده ی بزهکار ازدواج کنند و به احتمال زیاد به دلیل تاثیر مستقیم داشتن برادر زن محکوم شده فرایند بازدارندگی این ازدواج کاهش می یابد. دوم، این سوال است که آیا نتایج بدست آمده از دانمارک برای ایالات متحده که در آن تشکیل خانواده و اصول حقوقی ازدواج دستخوش چنین تغییراتی شده است، مناسب است یا خیر. در زمینه های ملی قابل انتقال بودن نتایج همیشه مشکل است، اما دانمارک و بقیه کشورهای شمال اروپا به گونه ای که در بالا ذکر شد، حداقل از لحاظ زمانبندی رویدادهای تشکیل خانواده به اندازه ای توسعه یافته اند که ایالات متحده توسعه پیدا کرده است. بنابراین ممکن است برخی چالش ها قابل انتقال باشند. اگر چه اهمیت عملی و کاربردی ازدواج در ایالات متحده کاهش یافته است و ساختار خانوادگی پیچیده تر شده است. اما اهمیت نمادین ازدواج همچنان بالاست، و ازدواج هنوز به عنوان نشانگر روابط خانوادگی از موقعیت منحصر به فردی بر خوردار است. گر چه ازدواج با تغییراتی مواجه بوده است اما هنوز با اهمیت است. بنابراین برآورد های نقطه ای به دلیل انتقال خوب در سراسر اقیانوس اطلس بعید به نظر می رسد. نتیجه کلی

ازدواج این است که بیشتر افرادی به واسطه ی ازدواج زوج می شوند و بزهکاری خانواده ی همسر ممکن است مزایای ازدواج را تحت تاثیر قرار دهد، با این حال ، به احتمال زیاد در فرایند ازدواج خیر و نیکی منتقل می شود. علیرغم محدودیت ها تحقیق حاضر، برای مطالعه پیشین این مقاله از داده های ثبت اسناد منحصر به فرد مربوط بهاعضای خانواده استفاده شد تا این نشان داده شود که برادر زن های بزهکار می توانند مزایای ترویج ازدواج را از بین ببرند. در همین باب ، جرمشناسان متخصص و همچنین دانشمندان اجتماعی به طور کلی باید محدودیت زدایی از اینکه چگونه تمام افرادی که به واسطه ی ازدواج به یکدیگر متصل شده اند به تغییرات تشکیل خانواده پاسخ می دهند و همچنین چگونه این تغییرات بر مزایای ترویج بازدارندگی ازدواج تاثیر می گذارد را هدف قرار دهند .